

تحقق اقتصاد مقاومتی در دیگر جوامع، چرا و چگونه

مردم سالاری با نقش آفرینی مردم و سیاستگذاری مساعد

اسفندیار عباسی*



تصویر هوایی: دهکده سالم «اورویل»، جنوب هند

چکیده

بررسی تاریخی نشان می دهد که از نیمه قرن بیستم، نفوذ روزافزون شرکت های چند ملیتی در مدیریت اقتصاد جهانی و تسلط آنها بر رسانه ها و دانشگاه ها، سلطه سرزمینی استعمار کهنه را به استیلایی ذهنی در عصر جدید بدل کرده است، به صورتی که گشودن بازارهای داخلی کشورها و بهره گیری از منابع طبیعی و انسانی و مالی آنها، به نام «رشد» و «توسعه»، به دست خود ملت ها، انجام می گیرد.

همزمان، نهادهای مدیریتی اقتصاد جهانی، یعنی بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی، که از ابتدا برای پیشبرد منافع این شرکت ها به وجود آمده اند، از طریق تحمیل سیاست های اقتصادی، فشار لازم بر دولت ها برای همسو شدن با اهداف و منافع این شرکت ها را اعمال می کنند. جالب توجه اینکه این نهادها به هیچ مجمعی از منتخبین مردم در هیچیک از کشورهای جهان پاسخگو نیستند. در این مقاله، گزیده ای از تجارب و نتایج نقش آفرینی مقاومتی مردم در برابر استعمار نوین گزارش شده است. این نتایج امیدبخش مشخصا حاصل مشارکت

فعالان مردم در مدیریت محلی منابع، بهره گیری از فناوری های مناسب و بهره مندی از سیاستگذاری های مساعد است. مصادیق موجود در اقتصاد مقاومتی نشان می دهد که «دشمن شناسی» و «اندازه

- مقدمه

۱. گذار از استعمار قدیم به استبداد نوین

۲. شرکت های چند ملیتی بر کرسی

مدیریت اقتصاد جهانی

۳. جوامع محلی: عرصه نبرد و کانون

مقاومت

- جبهه مقاومت ۱: مردم سالاری در تار و

پود جامعه و اقتصاد

- جبهه مقاومت ۲: مردم سالاری در

انتخاب علم و فناوری

- حمایت پشت جبهه: سیاست گذاری

های مساعد

۴. مقاومت و نقش آفرینی مردم: فرهنگی

رو به گسترش

- مردم سالاری مقاومتی: حقوق

شهروندی همراه با مسئولیت های

اجتماعی

- ترویج مقاومت: سیاستگذاری، آموزش،

اطلاع رسانی

- نتیجه گیری

کتابشناسی

شناسی» در تفکر توسعه، اهمیتی کلیدی در موفقیت این جوامع پیشرو داشته است و تحولی عظیم در برداشت صاحب‌نظران از مفهوم و عملکرد مؤثر «مردم‌سالاری» در عصر حاضر به وجود آورده است. با توجه به اولویتی که اخیراً در کشور ما به اقتصاد مقاومتی داده شده است، مصادیق مذکور از یک سو آموزه‌ها و تجاربی ارزنده در اختیار مردم و مسئولین قرار می‌دهد و از سوی دیگر کشور ما را برای تلاشی فزاینده برای دستیابی به پیروزی‌هایی مشابه اما در سطحی وسیع‌تر فرا می‌خواند.

کلید واژه‌ها: استعمار، شرکت‌های چندملیتی، جعلیات علمی، آلودگی اطلاعاتی، تکنولوژی نهادسازی، جوامع سالم، فناوری مناسب، سیاستگذاری مساعد، مقیاس انسانی در توسعه

مقدمه

مردم‌سالاری در گذشته صرفاً از منظر حکمرانی سیاسی مورد بحث قرار می‌گرفت، یعنی اینکه مردم‌سالاری مشخص می‌کرد که کدام گروه یا حزب، با کدام چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی، از حمایت اکثریت مردم برای مدیریت امور کشور برخوردار بود.¹ اما در عصر حاضر، کاربری این واژه گسترش قابل توجهی پیدا کرده است به صورتی که جمیع روابط انسانی در تمامی سطوح، یعنی در خانواده، محله، روستا و شهر، محل کار، ادارات، سازمان‌های خصوصی بزرگ و کوچک و حتی روابط بین‌الملل، را در بر می‌گیرد. هدف مردم‌سالاری جدید تصمیم‌گیری و انتخاب آگاهانه و نیز تبیین مسئولیت افراد در قبال فرجام نیک و بد تصمیمات گروهی است. در حمایت از این درک جامع‌تر از مردم‌سالاری یکی از صاحب‌نظران علوم سیاسی معاصر می‌نویسد:

دموکراسی فرآیند حکومت مردم بر خود است که در آن افراد بر محیط خود، مستقیم و غیرمستقیم، اثر گذارند؛ مستقیم، به واسطه تصمیماتی که برای خود می‌گیرند، مثل انتخاب حرفه، و روابط شخصی و روش‌تأمین انواع ملزومات زندگی فردی، و غیرمستقیم، از طریق انتخاب جمعی نمایندگان از سوی خود که به نیابت از ایشان برای اداره امور کلی جامعه تصمیم می‌گیرند و در برابر رای دهندگان مسئول اند. نظام حکومتی مردم‌سالار، هم تصمیم‌گیری متمرکز و قانونگذاری در سطح کلان را شامل می‌شود و هم تصمیم‌گیری غیرمتمرکز [مردم] در محل، در مورد موضوعاتی که به بهترین نحو در سطح محلی قابل بررسی و اجراست. به طور خلاصه، دموکراسی، یک نظام اجتماعی و سیاسی است

¹ Britanica

که مستلزم میزان بالایی از آزادی های شخصی و به همان میزان آزادی های سیاسی است...^۲

این تکامل فکری در مورد مفهوم و جایگاه مردم سالاری، ریشه در ضرورتِ مقابله با استبدادی نوین دارد که در چند دههٔ اخیر به تدریج در جهان گسترش یافته است. ناکامی مشارکت مردم در مردم سالاری متداول که عمدتاً در فعالیت هایی چون حضور در پای صندوق های رای و بیان خواسته ها و اعتراضات در جراید و رسانه ها محدود می شود را می توان از تظاهرات گستردهٔ اخیر در کشورهای صنعتی، که به داشتن حکومت های دموکراتیک مشهور اند، استنباط کرد. از زمان بروز بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ به این سو جمع کثیری از مردم این کشورها خود را اکثریتی ۹۹ درصدی خوانده اند که توسط اقلیتی ۱ درصدی مورد ظلم قرار گرفته است. اندیشمندان حوزه مردم سالاری، این ناکامی را به ترویج فرهنگ رقابت و زیاده خواهی توسط شرکت های چند ملیتی^۳ نسبت داده اند و معتقدند که درک تحولات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در جهان امروز بدون مطالعهٔ تاریخ استعمار و به ویژه تاریخ تحولات موتور محرکه آن، یعنی همین شرکت ها، ناقص است.

در بخش نخست مقاله حاضر، به تشریح تحولات تاریخی و تکامل نفوذ و سلطهٔ این شرکت ها در جهان می پردازیم. در این بخش می خوانید که چگونه این شرکت های سهامی که در ابتدای ظهورشان برای اهداف عام المنفعه تشکیل می شدند، به تدریج به بازوی تجاری و نظامی قدرت های استعماری جهان بدل شدند. همچنین می خوانید که چگونه به مرور این شرکت ها از شخصیت حقوقی بهره مند شدند و هم اکنون با بهره گیری از جایگاه خود به عنوان یک «شخص» از جمیع حقوق و اختیارات شهروندی برخوردارند. نتیجه اینکه، این شرکت ها فارغ از دغدغه های نظارت و دخالت قانونی دولت ها در امور داخلی خود، بدون واهمه از مجازات، فقط به سودآوری برای سهامداران خود می اندیشند و در زیاده خواهی و تخریب در سطح جهانی، آزادی عمل دارند. مسئولیت محدود سهامداران این شرکت ها نیز عامل دیگری برای جسارت این ساختارهای قانونی در تجارت است چرا که در صورت

^۲ Lakoff, 1996, 32

^۳ multinational corporations این شرکت ها از نوع شرکت های سهامی با مسئولیت محدود اند که حوزهٔ فعالیت آنها به مرزهای یک کشور محدود نمی شود. این شرکت ها معمولاً در چند کشور دفتر و یا واحد تولیدی دارند و برای فروش کالاها یا ارائهٔ خدمات خود در سراسر دنیا بازاریابی می کنند. سهامداران این شرکت ها نیز به ملیت خاصی محدود نمی شود، یعنی یک شرکت چند ملیتی که مثلاً در کشور آلمان ثبت شده ممکن است سهامداران بزرگی از دیگر کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی و یا کشورهای نفت خیز خاور میانه داشته باشد. ملیت این شرکت ها نیز همیشه روشن نیست. مثلاً یک شرکت اسپانیایی ممکن است توسط یک شرکت چندملیتی واقع در آمریکا خریداری شود ولی کماکان با نام اسپانیایی خود به کار ادامه دهد.

ضرر، بدهی، ورشکستگی و یا حکم دادگاه برای جبران خسارات، سهامداران اینگونه شرکت ها بیشتر از سهمی که دارند متضرر نمی شوند.

اگر چه در طی هشت دهه اخیر، نظام های مردم سالار در کشورهای جهان به تدریج جای نظام های بومی و یا دست نشانده استعمار را گرفته اند، هم اکنون نوعی استیلای ذهنی شرکت های چندملیتی، خواسته ها، انتظارات، سلیق و مطالبات آحاد مردم و همزمان چارچوب فکری و اهداف منتخبین آنان در دولت های مردم سالار را در راستای منافع سرمایه داری جهانی همسو کرده است. بخش دوم مقاله چگونگی به کرسی نشستن این شرکت ها بر مسند مدیریت اقتصاد جهانی را توصیف می کند. در این بخش چگونگی بهره گیری این شرکت ها از رسانه ها و دانشگاه ها برای ایجاد و تحکیم استیلای ذهنی بر جوامع از طریق اشاعه اطلاعات نادرست را بررسی می کنیم. اشاعه جعلیات علمی و استقرار نهادهای تحمیلی به نام «توسعه»، «رشد اقتصادی» و «پیشرفت علم و فناوری» در کشورهای جهان در موفقیت این شرکت ها در تحکیم سلطه خود در جهان نقشی کلیدی داشته است.

بخش سوم مقاله رویکردی جامع تر به مردم سالاری را معرفی می کند و با ذکر مصادیقی از این رویکرد مقاومتی در جوامع مختلف، اهمیت نقش آفرینی فعالانه و هوشیارانه مردم و همزمان، انتخاب فناوری های مناسب و اتخاذ سیاست های مساعد از سوی منتخبین مردم برای مقابله با استبداد نوین را روشن می سازد. مسلماً در هر رویارویی خصمانه، تشخیص دشمن اصلی و عرصه نبرد، از ملزومات پیروزی است. در تقابل با نظام سلطه، تشخیص جبهه مشترک شرکت های چند ملیتی به عنوان دشمن اصلی و اقتصادهای محلی (روستاها و محله های شهری) به عنوان کلیدی ترین عرصه این نبرد الزامی است. برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در جوامع، یعنی دستیابی به قوام و پایداری لازم در برابر انواع تهدیدات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی، قضاوت درست در مورد هویت دشمن و عرصه اصلی نبرد، روشنگر و رهگشاست. بدون دقت در دشمن شناسی، گرفتار شدن کشورها در دام سیاست ها و اهدافی چون «افزایش صادرات»، «ساده سازی مقررات برای جذب سرمایه های خارجی» و «عضویت در سازمان تجارت جهانی» و نتیجتاً تعمیق وابستگی ها و آسیب پذیری های کنونی اجتناب ناپذیر است.

در بخش سوم همچنین به معرفی تجربه جوامعی می پردازیم که ساکنان آن زندگی در جوامع کوچک، با پرهیز از رقابت، زیاده خواهی های فردی و بهره گیری از نگرشی جامع تر به مردم سالاری، عملاً

موفق شده اند از وابستگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های مرتبط با استبداد جهانی بکاهند و از جمله ثروتمندترین و مشهورترین جوامع دنیا شوند. این جوامع کوچک که خود را «روستای سالم» یا «محلّه سالم» در شهرهای در حال‌گذار می‌نامند، موفقیت خود را مدیون آموزش و بهره‌گیری از مهارت‌های اجتماعی برای تسهیل مدیریت مشارکتی منابع محلی، بهره‌گیری از فناوری‌های مناسب و نیز تعامل نزدیک و پیگیر با مسئولین برای دستیابی به سیاستگذاری‌های مساعد می‌دانند.

در بخش چهارم، ضمن ارائه خلاصه‌ای از نکات مطرح شده در سه بخش نخست، در مورد نهادینه شدن فرهنگ مقاومت و فراهم شدن مهارت‌ها، فناوری‌ها و اطلاعات معتبر برای بهره‌برداری فعالان توسعه و سیاستگذاران در سراسر جهان نکاتی مطرح شده است. یکی از تغییرات بنیادین برخاسته از موفقیت نقش آفرینی مردم در جوامع سالم، تحولی عظیم در مفهوم و عملکرد مردم سالاری است. از این منظر جامع‌تر و حکیمانه به موضوع، حضور مردم در پای صندوق‌های رای در انتخابات سراسری و داشتن آزادی سیاسی برای ابراز نظر انتقادی و اعتراضی در مورد عملکرد متخین خود، برای مبارزه با استبداد نوین و زیاده‌خواهی‌های آن کافی نیست. برای اینکه جامعه‌ای در برابر استبداد مقاوم باشد مردم سالاری می‌باید در جمیع سطوح، یعنی خانواده، محلّه، محیط کار، مدرسه، دانشگاه، روستا، شهر و کشور، برای رسیدن به «خرد جمعی» و دستیابی به تصمیمات حکیمانه و اخلاقی، ورود پیدا کند. تحول قابل توجه دیگر اینکه، موفقیت‌های جوامع سالم به تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد پژوهشی، آموزشی و ترویجی متعددی انجامیده است که امر ابداع و کاربست فناوری‌های مناسب و سیاستگذاری‌های مساعد برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی برای بهره‌گیری جوامع علاقمند و دولتمردان نواندیش در سراسر جهان را نهادینه ساخته است.

تلاش ما ایرانیان برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی دیرتر از دیگر جوامع شروع شده است. اما همانطور که در بخش‌نهایی مقاله توضیح داده شده است، شروع به اقدام در این مقطع زمانی دارای امتیازاتی است. یکی از این امتیازات، فرصت بهره‌برداری از آموزه‌ها و تجارب دیگر ملت‌ها در این راستاست. در این بخش نمونه‌هایی از نهادهای محلی موفق و سیاستگذاری‌های مساعد حامی این نهادها به طور مختصر معرفی شده است. از دیگر آموزه‌های اشاره شده در بخش‌نهایی، جهانیابی توحیدی در تفکر توسعه است که فعالان اقتصاد مقاومتی، در عمل، به آن رسیده‌اند. از این منظر یگانه و یکپارچه، توسعه وقتی عقلانی و مفید است که همه‌جانبه باشد. به عبارت دیگر، رونق اقتصادی و ثروت باید در کنار محیط زیست سالم و پاکیزه باشد. و به همان سیاق، پیشرفت علمی و فناوری در یک جامعه نباید به بهای چشم‌پوشی از میراث ارزشمند فرهنگی در جوامع کهن صورت گیرد. از همین دیدگاه وحدت

گرا، فعالان توسعه همه جانبه محلی همچنین معتقد اند که صلح و عدالت در جامعه جهانی را باید در قابلیت انسان ها، از هر مذهب، زبان، نژاد و پیشینه فرهنگی و تاریخی که باشند، در زندگی صمیمانه در کنار هم، بدور از تکفیر و تبعیض و تحقیر جست.

اما ضمن اینکه آموزه ها و تجارب این فعالان، فرصتی ویژه در اختیار ما ایرانیان قرار می دهد، موفقیت های چشمگیر ایشان ما را به تلاشی وسیع تر فرا می خواند. واقعیت این است که این پیشگامان همیشه از حمایت سیاستگذاری های مساعد در کشورشان برخوردار نبوده اند و موفقیت ایشان مدیون ایمانی راسخ به آینده ای بهتر و پشتکار و شکیبایی مجدانه در اطلاع رسانی به مسئولین محلی و ملی خود به منظور بروزرسانی ایشان بوده است. آیا ما مردم ایران قادر خواهیم بود به برکت آگاهی و اجماعی که از همین ابتدای کار در میان مسئولین کشور در خصوص ضرورت اقتصاد مقاومتی وجود دارد، سریعاً وابستگی های کنونی به تجارت جهانی را بزدایم و هوشیارانه در برابر فریب و فشار شرکت های بزرگ قدرت های استعمارگر جهان مقاومت کنیم؟

به علت مبسوط بودن بحث حاضر، در هر بخش از مقاله به منابع بیشتر برای مطالعه جامع تر پژوهندگان استناد شده است. غالب این متون به نحوی انتخاب شده اند که خوانندگان بتوانند از طریق شبکه جهانی اینترنت با سهولت و سرعت به آنها دست یابند.

۱) تاریخ تحولات شرکت های سهامی: گذار از استعمار قدیم به استبداد نوین

نقش شرکت های سهامی با مسئولیت محدود، که طی فرآیند جهانی شدن سرمایه به شرکت های چند ملیتی (همچنین موسوم به شرکت های فراملیتی)^۴ تبدیل شده اند، در تحولات چهارصد سال اخیر جهان به حدی بوده که بررسی مسایل حاداً امروز بدون در نظر گرفتن تاریخ این نهاد اقتصادی-سیاسی کامل نیست. به طور مثال می توان از شرکت سهامی هند شرقی^۵ که تا سال ۱۸۱۳ به طور انحصاری و با مجوز دولت انگلستان اداره امور مرتبط با مستعمرات آن کشور در شبه قاره هند و چند نقطه دیگر در جهان را در اختیار داشت نام برد. شرکت سهامی هلندی هند شرقی^۶ نیز که در سال ۱۶۰۲ تاسیس شد تجارت ادویه از مستعمرات کشور هلند را در انحصار خود داشت. در آن زمان، قدرت، نفوذ و

^۴ transnational corporation

^۵ The British East India Company

^۶ The Dutch East India Company

اختیارات این شرکت ها به حدی بود که با ناوگان جنگی مجهز خود، در جنگ های استعماری نیز شرکت می کردند.

پیش از قرن هفدهم میلادی در اروپا، ساختار قانونی شرکت سهامی^۷ صرفاً برای اهداف خیریه و عام المنفعه بود. این نوع شرکت ها به حکمرانان اجازه می داد که با بهره گیری از مشارکت های مردمی به انجام امور عمرانی و اجرایی بپردازند. مدیران این شرکت ها مجوز کسب و کار سودآور را نداشتند. برای فعالیت های سودآور، ساختار دیگری به نام «شراکت»^۸ در قانون تعریف شده بود. مزیت شرکت بر شراکت این بود که کار شرکت، حتی با فوت سهامداران و مدیران، نسل بعد از نسل ادامه می یافت. اهداف و وظایف شرکت های سهامی در مجوزی رسمی، موسوم به منشور^۹، از سوی حکمران یا دولت به دقت تعریف می شد و فعالیت های اقتصادی این شرکت ها فقط در چارچوب این اهداف و وظایف، قانونمند بود.

با گسترش جهانگشایی قدرت های اروپایی در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی، حکمرانان از ساختار شرکت سهامی برای ایجاد انجمن هایی از بازرگانان، که هر یک به نام و با مسئولیت خود در چارچوبی معین و به صورت انحصاری بخشی از تجارت در مستعمرات آنان را به عهده می گرفتند، استفاده کردند. و به مرور، طی قرن هفدهم، این انجمن های تجاری به شرکت های سهامی، با سهام قابل خرید و فروش، بدل شدند. یعنی حالا این شرکت ها موظف بودند که برای سودآوری بیشتر و جلب رضایت سهامداران خود، و نه برای اهداف عام المنفعه، تلاش کنند.

این تحول کلیدی اما غیر قانونی در بزرگ ترین و پرنفوذترین این شرکت ها، یعنی شرکت انگلیسی هند شرقی، برای نخستین بار نهادی تجاری و سودآور به وجود آورد که همزمان از مزایای شرکت های سهامی عام المنفعه نیز برخوردار بود. یعنی این شرکت، حتی با مرگ یا خروج سهام داران موسس خود می توانست بی وقفه به فعالیت خود ادامه دهد. همچنین، مسئولیت سهامداران در قبال پرداخت دیون طلبکاران، حتی در صورت ورشکستگی، نیز محدود بود. مسلماً این ساختار برای بسیاری از سرمایه داران از جمله اعضای دربارهای اروپا جذاب بود و به سرعت گسترش یافت. قدرت و نفوذ این شرکت ها موجب گردید که اداره مستعمرات و جنگ با رقبا نیز عموماً به این شرکت ها محول گردد.

⁷ به انگلیسی واژه corporation که از لغت *corpus* در زبان لاتین ریشه می گیرد یعنی «جمع متحدی از مردم».

⁸ partnership

⁹ charter

اگر چه در انگلستان، به لحاظ سوء استفاده های مکرر از سهامداران، فعالیت این شرکت ها از سال ۱۷۲۰ تا ۱۸۲۵ تحت نظارت سخت گیرانه دولت در آمد، اما در پایان این دوره، با بالا گرفتن روند آزادسازی اقتصادی در اروپا که به «لسه فر»^{۱۰} معروف شده است، نه تنها تاسیس اینگونه شرکت ها آسان تر گردید بلکه خرید و فروش سهام آنها نیز مجددا در تالارهای بورس آزاد شد. از جمله حقوق جدید تعریف شده در قانون برای این شرکت ها این بود که حالا موسسان می توانستند اهداف و وظایف شرکت را خود تعریف کنند و آن را برای دریافت مجوز به ثبت برسانند. علاوه بر این، در سال ۱۸۴۴ پارلمان انگلستان قانونی وضع کرد^{۱۱} که به موجب آن شرکت های سهامی از حقوق شهروندی نیز برخوردار شدند. به این معنی که آنها می توانستند، مصون از مداخله دولت، در چارچوب اهداف تعریف شده خود، فعالیت کنند. بخش دیگری از امتیازات جدیدی که در فضای آزادسازی تجاری اروپا تایید و تحکیم شد «مسئولیت محدود»^{۱۲} این شرکت ها بود. سهامداران در قبال دستمزد کارگران یا سپرده سپرده گذاران (در مورد بانک ها) فراتر از میزان سهم خود مسئولیتی نداشتند. مسئولیت محدود این نهادها، سهامداران را در برابر پیگردهای قانونی برعلیه مدیران و مسئولان متخلف این شرکت ها نیز مصون می ساخت.^{۱۳}

در ایالات متحده آمریکا نیز سیر قدرت گرفتن شرکت های سهامی با مسئولیت محدود، کم و بیش به همین شکل طی شد. با این تفاوت که در این کشور، شرکت های سهامی با اتکا به منابع مالی سرشار و وکلای زبردست خود موفق شدند از طریق نظام قضایی، و نه قوانین پارلمانی، به امتیازات مشابهی دست یابند. در آمریکا این شرکت ها به تدریج به لحاظ شخصیت حقوقی ای که به دست آوردند خود را زیر چتر حمایتی متمم چهاردهم «منشور حقوق»^{۱۴} قانون اساسی آن کشور، برابر با آنچه برای اشخاص حقیقی مقرر شده است، قرار دادند.^{۱۵} نتیجه اینکه، اگر چه این شرکت ها با مجوز دولت به وجود می آیند، با داشتن شخصیت حقوقی به عنوان یک «شهروند»، تا حد قابل توجهی از مداخله دولت در اداره امور خود مصون اند. شرکت های ثروتمند آمریکایی، با حمایتی که طی دهه های متمادی از آرای مساعد نظام قضایی آمریکا کسب کرده اند، در واقع، به امتیازاتی فوق شهروندان عادی دست یافته اند به صورتی که این شهروندان برتر، این حق را یافته اند که در «سمت دهی به

¹⁰ "laissez-faire" capitalism

¹¹ The Joint Stock Companies Act of 1844

¹² limited liability

¹³ Spence, 2004; Bennet and Paul, 1999

¹⁴ Bill of Rights

¹⁵ مثلا در آمریکا اگر کسی در رسانه ها یا جراید از محصولی تجاری انتقاد کند، شرکت تولید کننده می تواند به اتهام افترا، از منتقد شکایت و از وی خسارت مطالبه کند.

انتخابات و فرآیند سیاستگذاری در آمریکا اعمال نفوذ کنند و عملاً بر اقتصاد و دولت آن کشور مسلط گردند.^{۱۶}

پس اگر امروزه شاهدیم که شرکت های بزرگ چند ملیتی قادرند بدون ممانعت قابل توجهی از سوی دولت های متبوع خویش به تخلفات آشکار در تولید و فروش مصنوعات خود در داخل و خارج از کشور ادامه دهند، به لحاظ امتیازات حقوقی نامشروعی است که در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی به عنوان یک شهروند برتر به آنها داده شده است. مثلاً امروزه شاهدیم که شرکت های بزرگ داروسازی در سطحی وسیع مرتکب جعل علمی^{۱۷}، سرقت زیستی^{۱۸}، و افزایش غیر عادلانه قیمت داروها و همزمان ممانعت از تولید انواع داروها در کشورهای در حال توسعه و نتیجتاً موجب بحران مرگبار کمبود دارو در جهان شده اند.^{۱۹} همچنین گزارش شده است که بسیاری از این شرکت ها با گمراه کردن پزشکان محصولاتی می فروشند که به جای التیام بیماران، به آنها آسیب می رساند.^{۲۰}

به همین سیاق شاهدیم که شرکت های تولید کننده نهاده های شیمیایی کشاورزی که محصولاتشان آب، خاک و غذای جهانیان را آلوده کرده است، وقتی استفاده از برخی از سموم در کشورهای اروپایی ممنوع می شود، به فروش این سموم در کشورهای در حال توسعه ادامه می دهند.^{۲۱} این شرکت ها همچنین پسماندها و محصولات تاریخ گذشته خود را در کشورهای ضعیف دفن می کنند، عملکردی ظالمانه که موجب بیماری و تلفات جانی در سطحی وسیع در این کشورها شده است.^{۲۲} شرکت های تولید کننده نهاده های کشاورزی شیمیایی به تولید، ترویج و فروش محصولات خود ادامه می دهند اگر چه غیر ضرور و زیانبار بودن کشاورزی شیمیایی به طور اعم و سموم شیمیایی به طور اخص از نظر علمی و تجربی کاملاً به اثبات رسیده است.^{۲۳}

¹⁶ Meyers, 2001, 1

¹⁷ Boseley, 2001

¹⁸ Shiva, 1997; Stenton, 2003; Barnett, 2001; عباسی، ۱۳۹۰ ب

¹⁹ Ho, 2001

²⁰ Goldacre, 2013

²¹ Meienbert, 2001

²² PANNA; Weir and Schapiro, 1981

نمونه های عملکرد غیر اخلاقی و زیانبار از سوی این شرکت ها بسیار است. برای اطلاع بیشتر به منابع اینترنتی زیر مراجعه شود:

(انگلستان) www.corporatewatch.org

(آمریکا) www.corpwatch.org

²³ عباسی ۱۳۹۱ ب؛ چینگ ۱۳۹۲

۲ جبهه متحد شرکت های سهامی بر کرسی مدیریت اقتصاد جهانی

تا اواسط قرن بیستم میلادی، شرکت های سهامی کشورهای استعمارگر، عموماً در قلمرو انحصاری، یا به اصطلاح، بلوک های تجاری، کشور خود فعالیت می کردند. هر یک از قدرت های استعماری، منطقه ای جغرافیایی از جهان را منحصر به خود می دانست و از حق فعالیت انحصاری شرکت های سهامی تابع خود در این منطقه دفاع می کرد. اما با وقوع دو جنگ ویرانگر جهانی در نیمه اول قرن بیستم، ناپایدار بودن رقابت اینچینی بین این شرکت ها و بین دولت های قدرتمند حامی آنها بیش از پیش آشکار شد. از این رو، در سال ۱۹۴۴، یعنی یک سال پیش از پایان جنگ جهانی دوم، نمایندگانی از ۴۵ کشور جهان در محلی به نام «برتون وودز»^{۲۴} در آمریکا گرد هم آمدند تا بر سر نظام تجاری مطلوبی که بتواند احتمال وقوع جنگ جهانی دیگری را مرتفع سازد توافق کنند. دستاوردهای مشهور این همایش شامل سازمان های زیر بود: «موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت» (موسوم به «گات»^{۲۵}، برای وضع مقررات تجاری و داوری در صورت بروز اختلافات تجاری بین کشورها، که بعدها به «سازمان تجارت جهانی»^{۲۶} تغییر نام داد)، تاسیس بانک جهانی (در ابتدا موسوم به «بانک بین المللی برای بازسازی و توسعه»^{۲۷}) و صندوق بین المللی پول^{۲۸، ۲۹}.

هدف از برگزاری این همایش دستیابی دولت های شرکت کننده به تجارت آزاد در سراسر جهان اعلام شد. اما در سخنرانی پایانی همایش، «هنری مورگنتا»^{۳۰}، وزیر خزانه داری وقت آمریکا شکی باقی نگذاشت که این همایش هدف دیگری نیز داشت. وی تصریح کرد که تاسیس بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، پایان ملی گرایی در امور اقتصادی در جهان را رقم زد. یعنی اگر چه در برتون وودز انگیزه هر کشور برای تامین منافع ملی خود محترم شناخته شد اما این انگیزه ها طوری جهت داده شد که اقدامات انحصارطلبانه ای چون ایجاد بلوک های تجاری و یا ایجاد مناطق تحت نفوذ اقتصادی کشوری واحد و احتمالاً بروز جنگ دیگری بین قدرت های بزرگ کاملاً منتفی گردد.^{۳۱}

²⁴ Bretton Woods

²⁵ General Agreement on Tariffs and Trade / GATT

²⁶ The World Trade Organization

²⁷ International Bank for Reconstruction and Development / IBRD

²⁸ برای تحلیل مفصل پیامدهای این همایش، مشخصاً پیرامون تاثیر آن در افزایش قدرت و چیرگی جهانی شرکت های چند ملیتی

مطالعه منبع زیر سودمند است: Korten, 2001

²⁹ International Monetary Fund / IMF

³⁰ Henry Morgenthau

³¹ Morgenthau, 1944

پیامدهای برتون وودز و عملکرد نهادهای مالی و حقوقی برخاسته از این گردهمایی تا به امروز حاکی است که بانیان آن توانستند با موفقیت، رقابت خصمانه بین دولت های استعمارگر و شرکت های تجاری تابع آنها در بهره برداری از بازارها و منابع جهان را بر طرف کنند. آنها همچنین موفق شدند که تعریف توسعه از دیدگاه غرب را، به مرور، در کشورهای عضو برتون وودز و کشورهایی که در این مذاکرات شرکت نداشتند، اشاعه دهند. در این رابطه، از دیگر ابداعات برتون وودز محور قرار دادن دلار به عنوان ارز تجاری دنیا و تعیین «تولید ناخالص داخلی»^{۳۲} به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد اقتصادی و میزان رشد اقتصاد کشورها بود.^{۳۳} این شاخص اقتصادی که از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای ارزیابی صلاحیت متقاضیان وام استفاده می شود، انگیزه ای قوی برای رقابت بین کشورها برای دستیابی به «رشد» برای جلب رضایت و نظر این نهادها و شرکت های سرمایه گذار ایجاد کرد.

یکی از منتقدین غربی نظام سلطه، اهداف مدیریت یکپارچه نظام اقتصادی دنیا که به ضرر اقتصادهای محلی و ملی و به سود شرکت های بزرگ غرب و سهامداران آنها عمل کرده است را چنین توصیف می کند:

www.eabbassi.ir

می توان از سیاست های نهادهای مرتبط با برتون وودز که با هدایت و حمایت کامل دولت آمریکا اجرا می شود نتیجه گرفت که ما (آمریکا)، سه هدف را در سراسر جهان دنبال می کنیم: می خواهیم که تمامی منابع جهان به مالکیت شرکت های فراملیتی در آید و برای تولید محصولات صادراتی به کار گرفته شود؛ می خواهیم که آموزش، بهداشت و سلامت، ارتباطات، و خدماتی چون آب و برق و گاز و تلفن جملگی به عنوان کسب و کارهای سودآور در کنترل این شرکت ها در آید؛ می خواهیم که هر آنچه که مردم کشورها مصرف می کنند به دست این شرکت ها از کشور دیگری وارد شود. چشم انداز ما از آینده، دنیایی است که در آن زندگی و حیات در خدمت زر اندوزی شرکت های

³² Gross Domestic Product/ GDP این معیار اقتصادی برای نخستین بار در آمریکا برای سنجش درآمد اقتصاد کشور در دهه

۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی که دوران رکود اقتصادی و تصمیم گیری در مورد ورود پیدا کردن به جنگ جهانی دوم بود مورد

استفاده قرار گرفت. Marcuss and Kane, 2007

استفاده از این شاخص اقتصادی بر این فرض استوار است که میزان دست به دست شدن پول در اقتصاد یک کشور شاخصی گویا برای پیشرفت اقتصادی و سنجش میزان رفاه شهروندان آن است. اما در چند دهه اخیر، عدم کارایی این شاخص در انعکاس واقعی میزان آسایش و کیفیت زندگی از یک سو و از سوی دیگر تشدید رقابت ویرانگر بین دولت ها در تاراج منابع کشورهای خود،

موجب آغاز تلاش هایی برای یافتن شاخص های مناسب تری در کشورهای مستقل دنیا شده است. عباسی، ۱۳۹۳ الف؛ عبدالله، ۲۰۱۳

³³ Costanza et al. 2009, 5

بزرگ است، جهانی که در آن پول، ارزش غایی و زندگی و حیات صرفاً وسیله ای برای رسیدن به این ارزش است.^{۳۴}

همان طور که در بالا تشریح شد، پیش از وقوع دو جنگ جهانی، شرکت های سهامی در دو سوی اقیانوس اطلس، با حمایت قوانین پارلمانی (در انگلستان) و رای های پی در پی و مساعد دادگاه ها (در آمریکا) توانستند تا حد زیادی خود را نسبت به مداخله دولت ها، به ویژه نمایندگان منتخب مردم، مصون سازند. به دیگر سخن، این شرکت ها توانستند خود را بیرون از نظام مردم سالاری و نظارت حکومت های منتخب مردم قرار دهند. اما این به تنهایی کافی نبود. برای گسترش نفوذ در کشورهای خود و در عرصه بین الملل، لازم بود که از نظر فرهنگی و سیاستگذاری نیز شرایط برای مدیریت استبدادی (به معنی خارج بودن از حیطه نظارتی منتخبین مردم) و زیاده خواهانه این شرکت ها مساعد گردد و این امر از طریق تسلط رسانه ای و نفوذ دانشگاهی در سطح جهانی میسر گردید.

توضیح اینکه، با قدرت گرفتن شرکت های بزرگ در کشورهای غربی، دور از انتظار نبود که به تدریج این نهاد خودکامه و سود-محور در کلیه حوزه های توسعه، از کشاورزی، بانکداری، بیمه، صنایع غذایی و داروسازی گرفته تا ارتباطات (رادیو، تلویزیون، و اینترنت)، فیلم، مطبوعات و نشر کتاب، و دانشگاه ها رخنه کند. منافع مشترک این شرکت ها در ترویج فرهنگ زیاده خواهی، رقابت، فردگرایی و مصرف گرایی در جوامع از یک سو و از سوی دیگر تمایل ذاتی این شرکت ها به رشد و ادغام با یکدیگر، زیرساخت فرهنگی لازم برای جهت دهی به افکار عمومی در سطح جهانی و نیز ایجاد اهرم های سیاسی و علمی برای نفوذ در سیاستگذاری کشورها را فراهم کرد. در این رابطه، مطالعه متون منتشر شده پیرامون سه موضوع زیر سودمند است: (۱) تاریخ و عملکرد بنیادهای مرتبط با شرکت های بزرگ (موسوم به «بنیادهای بشردوستانه»^{۳۵})، (۲) ادغام راهبردی شرکت های بزرگ در صنایع مختلف با هم، به ویژه در صنعت رسانه،^{۳۶} و (۳) تلاش شرکت های بزرگ برای نفوذ در دانشگاه ها و سمت دهی به مطالعات علمی و اختراعات جدید.^{۳۷}

³⁴ Korten, 2000, 112

³⁵ philanthropic foundations این بنیادها، از قرن ۱۹ به این سو، نقشی برجسته در کلیه حوزه های علمی، آموزشی، پژوهشی،

و سیاستگذاری در جهان داشته اند. بنیاد راکفلر (وابسته به شرکت نفتی «استاندارد اویل»)، بنیاد فورد (وابسته به شرکت خودرو سازی فورد) و بنیاد کارنگی (وابسته به صنعت فولاد آمریکا) سه نمونه از فعال ترین این بنیادها در شکل دهی به برنامه ریزی و سیاستگذاری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در کشور آمریکا، و مستقیم و غیر مستقیم، در جهان اند. تاریخ فعالیت ها و نفوذ این بنیادها در کتب متعددی، از دیدگاه موافق و مخالف، منعکس شده است. Morris, 2005; Roelofs, 2003; Arnov, 1980

³⁶ ادغام شرکت های بزرگ با هم، چه از نوع افقی، عمودی یا خوشه ای (کانگلامورا)، راهکاری متداول برای رشد شرکت ها،

حذف شرکت های رقیب و نتیجتاً دستیابی به تسلط بیشتر بر بازار و سیاستگذاری ها بوده است. در ادغام های افقی، دو یا چند شرکت همکار با هم ادغام می شوند، مثل ادغام دو شرکت نفتی بزرگ «بریتیش پترولیوم» و «آماکو». در ادغام های عمودی، پیوند تجاری و ساختاری بین دو یا چند شرکت که در یک زنجیره تولیدی قرار دارند صورت می گیرد، مثل ادغام چند شرکت نفتی و پالایشگاهی که هم اکنون «اگزان موبایل» نام گرفته است. در ادغام های خوشه ای، شرکت هایی که حوزه فعالیت آنها ظاهراً با هم ارتباطی ندارند با هم ادغام می شوند. در این نوع از ادغام ها ملاحظات راهبردی، انگیزه اصلی پیوند تجاری و ساختاری را موجب می شود، مثل ادغام شرکت صنعتی/نظامی «جنرال الکتریک» و شبکه تلویزیونی «ان بی سی» آمریکا که محصولات فرهنگی آن پوشش جهانی یافته است. به طور کلی، ادغام شرکت های بزرگ همواره مورد انتقاد صاحب نظران بوده است چرا که با ادغام شرکت های بزرگ از تعداد گزینه ها برای مصرف کنندگان در هنگام خرید کاسته و بر قدرت لابیگری و تاثیر آنان بر قانونگذاری و سیاستگذاری افزوده می شود.

Du Boff and Herman, 2001; Silverstein, 1998; Johnston, 2007; Kaiser, 2009

اما در این میان، ادغام خوشه ای شرکت ها، به ویژه مواردی که رسانه ها، جراید و ناشرین را در بر می گیرد، به لحاظ تاثیر فرهنگی گسترده بر افکار عمومی جهانیان، بیشتر مورد نقد و بررسی اندیشمندان علاقمند به موضوع مردم سالاری قرار گرفته است. Bagdikian, 2004; McChesney, 2000; Cohen, 2006; Herman and Chomsky, 2000; Mander, 2012

³⁷ آزادی و نواندیشی در پژوهش در راستای منافع شرکت های بزرگ نیست چون موجب افشای عملکردهای غیر علمی و ضد انسانی آنها می شود. لذا این شرکت ها تاریخاً انگیزه ای قوی برای دخالت در سمت دهی به پژوهش های دانشگاهی و ساکت کردن پژوهشگران آزاداندیش داشته اند. از سوی دیگر، تاثیرگذاری بر مطالعات دانشگاهی غرب، راه نفوذ در آموزش و پژوهش دانشگاهی در کلیه کشورهای جهان را نیز برای این شرکت ها باز کرده است. ضعف خودباوری علمی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پذیرش بی چون و چرای نشریات دانشگاهی غرب را موجب شده و لذا متونی که عمیقاً متأثر از منافع اقتصادی شرکت های بزرگ است به عنوان متون درسی به کلاس های دانشگاهی در این کشورها راه یافته و به تبع تحقیقات علمی پشتیبان برای برنامه ریزی و سیاستگذاری در این کشورها را نیز عمیقاً متأثر ساخته است. از این جمله می توان به تاثیر این شرکت ها در رشته اقتصاد نام برد. در این رشته، علاوه بر تاکید بر شاخص هایی چون «تولید ناخالص داخلی»، «تراز تجاری» و «حجم مبادلات بورس»، در مورد مفاهیم جعلی ای چون «رشد»، «مزیت نسبی» و «تجارت آزاد» طوری سخن می رود که انگار راه دیگری برای اندیشیدن و ساماندهی به اقتصاد یک کشور جز در راستای اهداف تجارت جهانی وجود ندارد. مسلماً برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورها که دانش آموختگان همین دروس اند راهی جز پیروی از پیشنهادات و دستورالعمل های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که با اشاره به همین مفاهیم استدلال می کنند نمی شناسند. برای موارد مستندی از نفوذ شرکت های بزرگ و بنیادهای مرتبط با آنها در دانشگاه ها و رشته های گوناگون، مطالعه منابع زیر سودمند است:

عباسی، ۱۳۹۱؛ Muttitt 2002; Washburn, 2010; Washburn, 2005; Noble and Pfund, 1980; Meyerhoff, 1980

برای جزئیات جعلیات علمی نامبرده در رشته اقتصاد و تاثیر سوء آنها در سیاستگذاری ها، مطالعه متون زیر پیشنهاد می شود:

فلچر، ۲۰۱۰؛ مکوانا، ۲۰۰۵؛ کورتن، ۲۰۱۳؛ شیخ، ۲۰۰۵؛ عبدالله، ۲۰۱۳؛ دلیلی، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱؛ جکسون، ۲۰۱۰.

گاه جعلیات علمی در یک رشته به صورت ایجاد ابهام، شک و یا مخفی کردن جزئیات جلوه گر می شود. مثلاً، ماهیت بانکداری امروز، یعنی نظام «بانکداری ذخیره کسری» که از عوامل اصلی تورم، افزایش شکاف طبقاتی و اُفت کیفی محصولات در جهان است موضوعی بسیار کم شناخته، حتی در میان نخبگان اقتصادی و سیاستگذاران کشورها، است. برای شناخت بهتر این روش بانکداری، مطالعه منابع زیر سودمند است: میک لی و دیگران، ۲۰۱۴؛ روباتام، ۱۹۹۸.

با سیطره شرکت های چند ملیتی بر رسانه ها و نفوذ در دانشگاه ها، زیرساخت لازم برای بهره گیری از تبلیغات تجاری و خبر، و نیز استفاده از راهکارهای غیر اخلاقی چون «جعلیات علمی»^{۳۸}، «آلودگی اطلاعاتی»^{۳۹} و «تکنولوژی نهادسازی»^{۴۰} نیز به وجود آمد. جعل علمی، توسط پژوهشگران و دانشگاهیان سرشناس اما مزدور، به روش های گوناگون انجام می گیرد. این روش ها شامل انتشار تفسیر های گمراه کننده از نتایج آزمایشات علمی و تهیه گزارشات بی اساس و نشر نتایج کاملا ساختگی از آزمایشاتی که هرگز انجام نشده است می باشد. اما صرفنظر از روشی که استفاده می شود، نشر جعلیات علمی در حمایت از صنایع بزرگ، به اشاعه وسیع اطلاعات نادرست و بی اساس در شبکه علمی جهان دامن زده است. این اطلاعات غلط به نوبه خود اثری سوء بر رفتارهای مصرفی، انتظارات و مطالبات عموم مردم در جوامع مردم سالار و نیز بر سمت و سوی برنامه ریزی و سیاستگذاری در کشورها داشته است.^{۴۱}

«آلودگی اطلاعاتی» وقتی رخ می دهد که یک جعل علمی به اندازه ای در رسانه ها و منابع اطلاعاتی تکرار می شود که اطلاعات جعلی، بخشی از باور عمومی مردم و اساس سیاستگذاری کشورها می گردد. وجود آلودگی اطلاعاتی در منابع اطلاعات علمی شرایطی به وجود می آورد که کاوشگران، به

www.eabbassi.ir

³⁸ scientific fraud, research misconduct

³⁹ information pollution

⁴⁰ institution-building technology

⁴¹ در کشورهای توسعه یافته، جعل علمی در حمایت از شرکت های بزرگ تخلفی کاملا شناخته شده است. در سه دهه اخیر کتب، گزارشات، مقالات و پایگاه های اینترنتی متعددی در این مورد منتشر شده است:

Altman and Herson, 1997; McGarity and Wagner, 2008; McGarity, et al., 2004; Michaels, 2008; Miller and Hersen, 1992

Union of Concerned Scientists www.ucsusa.org/our-work/center-science-and-democracy

Independent Science News www.independentsciencenews.org/

با این وصف، در ایران، این موضوع و تهدیدی که برای اعتبار علمی دانسته های بشر به وجود آورده تقریباً ناشناخته مانده و تلاش دانشگاهیان ما برای رعایت موازین اخلاقی در پژوهش و نشر، تنها به مقابله با موارد تخلفات فردی پژوهشگر در ارتباط با اصالت تحقیق و بی طرفی و صداقت پژوهشگر محدود مانده است. (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بی تا) دانشگاهیان ما از تخلفات اخلاقی سازمان یافته در پژوهش و نشر در جهان، که با هدف ایجاد وابستگی اقتصادی و سیاسی رواج یافته کاملاً غافل اند. کما اینکه در سند نقشه جامع علمی کشور کوچکترین اشاره ای به این موضوع و راهکارهایی جهت مصون سازی دانشگاه ها و طرح های پژوهشی و نتیجتاً برنامه ریزی و سیاستگذاری های کشور در برابر این پدیده نامیمون نشده است. جزییات بیشتر و نمونه هایی از موارد اثرگذاری جعلیات علمی، آلودگی اطلاعاتی و تکنولوژی نهادسازی بر افکار عمومی و جهت دهی به سیاستگذاری دولت ها در صفحات اینترنتی زیر آمده است:

www.eabbassi.ir/deepresearchscientificfraud.htm جعلیات علمی

www.eabbassi.ir/deepresearchinformationpollution.htm آلودگی اطلاعاتی

www.eabbassi.ir/localdevelopment_institutions.htm نهادشناسی و نهادسازی

علت کثرت فراوانِ متونِ آلوده به جعلیات علمی، قادر به یافتن متونِ دقیق و معتبر نیستند و لذا چنین می‌پندارند که اطلاعات یافت شده تنها اطلاعاتِ قابلِ استنادِ موجود است. به طور مثال، از گسترده ترین موارد آلودگی اطلاعاتی که موجب وابستگی و آسیب پذیری بیشتر جوامع شده است، می‌توان به جعلیات علمی در مورد نمک طعام و فلوراید اشاره کرد. معرفیِ مختصری از این دو مورد در اینجا میزانِ نفوذِ شرکت های بزرگ در افکار عمومی و سیاستگذاری ها را روشن تر می‌کند.

تا کنون هیچ پژوهش علمی انجام نشده است که ارتباطی بین میزان مصرف نمک طبیعی و ازدیاد فشار خون در افراد را ثابت کرده باشد. شواهد تاریخی نیز حاکی از بی‌تقصیر بودن نمک طبیعی در ازدیاد فشار خون است چرا که در هیچ یک از ادوار گذشته، بیماری فشار خون در سطح جهانی در حدی که امروز شیوع یافته وجود نداشته است.^{۴۲} اگر ارتباطی بین نمک طعام و فشار خون وجود داشته باشد، مقصر، نمکِ خالصِ صنعتی است که امروزه به نام نمک یددار در کشورهای جهان سوم، توصیه، تبلیغ و به فروش می‌رسد. کثرتِ متونِ به اصطلاح علمی در مورد ارتباطِ نمک و فشار خون - بدون تمیز دادن بین نمک طبیعی و نمک صنعتی - به حدی است که عامه مردم و کارشناسان استفاده از نمک را مغایر با سلامتی می‌دانند. استیلای ذهنی در این زمینه به قدری است که در بسیاری از کشورهای جهان سوم (از جمله کشور ما^{۴۳})، استانداردهای اجباری فروش نمک طبیعی را غیر قانونی و نمک صنعتی را تنها گزینهٔ جامعه مصرف کننده قرار داده و بدینصورت سهم بزرگ تری از بازار نمک جهان را در اختیار شرکت های بزرگ تولید کنندهٔ نمکِ صنعتی قرار داده است. از سوی دیگر، شیوع بی سابقه بیماری فشار خون در جهان، میلیون ها انسان را مشتریِ دائمیِ دستگاه های سنجش فشار خونِ خانگی و داروهای کنترل کنندهٔ این بیماری کرده است.^{۴۴} از نظر اقتصادی نیز این مورد از جعل علمی و آلودگی اطلاعاتی تأثیری سوء بر اقتصاد کشورها و جوامع محلی داشته است کما اینکه کشورها به وارداتِ نمکِ صنعتی و دستگاه های سنجش فشار خون وابسته^{۴۵} و تعداد کثیری از تولیدکنندگانِ خردِ نمکِ طبیعی در کشورهای در حال توسعه، از کار بیکار شده اند.

⁴² حتی در کشورهای اسلامی که مردم طی قرون، با پیروی از الگوی رفتاری رسول گرامی اسلام، حضرت محمد (ص)، صرف غذا را با خوردن مقداری نمک شروع و تمام می‌کردند سابقه تاریخی فشار خون در این سطح به ثبت نرسیده است.

⁴³ سازمان ملی استاندارد ایران، ۱۳۸۵.

⁴⁴ برای اطلاعات بیشتر در مورد جعل علمی و آلودگی اطلاعاتی در خصوص نمک طبیعی شامل اسامی برخی از پژوهشگران مزدوری که هم از صنایع نمک و هم از صنایع داروسازی جهان برای اشاعه این جعلیات دستمزد دریافت کرده اند به صفحه زیر مراجعه شود: www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart1salt.htm

⁴⁵ بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه اطلاعاتی آمار کل واردات و صادرات جمهوری اسلامی ایران که توسط اتاق بازرگانی

آلودگی اطلاعاتی در مورد فلوراید نیز در جای دیگر مفصلاً و با ذکر منابع علمی و پژوهشی متعدد، معرفی شده است و لزومی به تکرار جزئیات آن در اینجا نیست.^{۴۶} اما به طور خلاصه، آلودگی اطلاعاتی در مورد این ماده سمی، سرطان زا و پوک کننده استخوان به عنوان عنصری مفید برای استحکام دندان به حدی است که امروزه در بسیاری از کشورها (از جمله کشور ما)، خمیردندانی یافت نمی شود که آلوده به فلوراید نباشد. این در صورتی است که محققان مستقل دریافته اند که فلوراید از جمله ضایعات صنعت ذوب فلزات است که به واسطه تکرار جعلیات علمی مرتبط در رسانه ها و متون به اصطلاح علمی، به عنوان افزودنی ای مفید و ضروری به خمیر دندان و دیگر کالاهای مصرفی اضافه می شود. مسلماً فلوراید که در واقع موجب آسیب پذیری و شکنندگی بیشتر دندان ها می شود بازار جهانی برای انواع ابزار و مواد دندانپزشکی را بیش از پیش رونق بخشیده و وابستگی کشورها به این اقلام وارداتی را بیشتر کرده است.

«تکنولوژی نهادسازی» راهکار زیرکانه دیگری است که تغییرات مطلوب شرکت های چند ملیتی در اقتصاد یک جامعه را به صورت پایدار نهادینه می کند.^{۴۷} نهادهای تحمیلی نظام سلطه، علاوه بر نابودی

صنایع، معادن و کشاورزی تهران گردآوری می شود، میزان وابستگی ایران به نمک وارداتی از سال ۱۳۸۹ (برابر با ۳۳۳ میلیون تومان) تا سال ۱۳۹۳ (برابر با ۲ میلیارد تومان) بیش از ۶ برابر شد. بر اساس آمار همین منبع، تا سال ۱۳۸۸، ایران وارد کننده نمک نبود. در همین بازه زمانی واردات فقط یک نوع دستگاه سنجش فشار خون («غیر دیجیتالی یا بدون گوشی») از ۲ میلیارد تومان به ۷ میلیارد تومان افزایش یافت.

^{۴۶} عباسی، ۱۳۹۰ الف.

^{۴۷} «انتقال تکنولوژی» عنوان دیگری است که طراحان نهادهای جدید برای اشاره به این شیوه استفاده می کنند. این باور که کشورهای صنعتی با انتقال فناوری های به اصطلاح پیشرفته خود به کشورهای در حال توسعه مخالف اند تصوری نادرست است که با واقعیت های تاریخی ترویج تکنولوژی در سطح جهانی و مباحث این رشته مغایرت دارد. در واقع، اینکه چگونه تکنولوژی های جدید از طرق مختلف، به ویژه از طریق دانشگاه ها و موسسات پژوهشی، به دیگر کشورها انتقال داده شود از بحث های اصلی اصحاب تکنولوژی نهادسازی جهان بوده است. برای نمونه دو منبع زیر حاکی از این واقعیت است: Ruttan, 1993; Siffin, 1973 انتقال تکنولوژی به دیگر جوامع منافع متعددی برای صاحبان تکنولوژی دارد. یکی اینکه آشنایی با این فناوری ها جامعه مصرف کننده را مستعد خریداری و استفاده از آن می کند. مثلاً وقتی علم و فناوری دستکاری ژنتیکی در کشوری شناخته شود، جامعه مصرف کننده در آن کشور، حتی با وجود آگاهی در مورد خطرات مصرف محصولات تراریخته، به نام پیشرفت احتمالاً از خطرات چشم پوشی کرده و از این محصولات مصرف می کند. دیگر اینکه نهادهای دانشگاهی و پژوهشی هر کشور به تحقیق و توسعه و انتشار در مورد آن فناوری گمارده می شوند. از این طریق، صاحبان تکنولوژی مورد نظر با هزینه کرد بسیار اندک به اطلاعات جدید دست می یابند. بخش های کلیدی فناوری ها معمولاً ثبت اختراع شده و در انحصار این شرکت ها قرار می گیرد. بهترین مثال از این دست صدها نوع بذر تراریخته و اصلاح شده است که تولید آنها در انحصار چند شرکت چندملیتی انگشت شمار است.

نهادهای بومی، تغییرات اجتماعی، قانونی، اداری و فرهنگی پیچیده ای را نیز همزمان در جوامع هدف وارد می کند، با این نتیجه که رهایی از آنها برای مردم و سیاستگذاران جوامع آسیب خورده بسیار دشوار می گردد. استقرار این نهادها معمولاً به پیامدهای نامطلوبی منجر می شود که جوامع را هر چه بیشتر به سوی اتکا و وابستگی به نظام تجارت جهانی سوق می دهد. از این جمله « نهاد فراملیتی کشاورزی» و «نهاد کلان شهر» قابل ذکر است. در جاهای دیگر مفصلاً به تجزیه و تحلیل این دو نهاد تحمیلی پرداخته ایم^{۴۸} اما در اینجا به طور خلاصه باید بفرماییم که نهاد فراملیتی کشاورزی با وارد کردن تکنولوژی بذر اصلاح شده و از میان بردن بذرهای بومی و از هم پاشیدن نهادهای مشارکتی کشاورزی در جوامع کهن، اسباب ویرانی و تخلیه میلیون ها روستا در سراسر دنیا و وابستگی میلیاردها انسان به واردات غذا و نهادهای تجاری کشاورزی، از جمله بذر اصلاح شده یا تراریخته، سم و کود شیمیایی و ابزار و ادوات کشاورزی و آبیاری تحت فشار، را فراهم کرده است.

از سوی دیگر، آموزش های مرتبط با شهرسازی در دانشگاه ها موجب دگرگونی شهرها شده به صورتی که تمایل به اتومبیل سواری در بین عامه مردم گسترش یافته، آلودگی هوا و آلودگی صوتی عادی شده و محله های منسجم، آرام، سالم و ایمن شهرهای قدیمی از میان رفته است. سیاست های بی منطقی چون «منطقه بندی شهری» و بهره گیری از فناوری های نامناسب و بیهوده ای چون بزرگراه های درون شهری، بر فاصله ها افزوده و استفاده از اتومبیل شخصی - و نتیجتاً واردات خودرو، بنزین، روغن موتور، تایر، و انواع قطعات و دیگر تکنولوژی های مرتبط با صنعت خودرو، جاده سازی و ترافیک موتوری - را الزامی کرده است.

در هر دو مورد از این نهادهای تحمیلی، یعنی کشاورزی شیمیایی و نهاد کلان شهر، شاهدیم که سلامت عمومی به طور جدی به مخاطره افتاده است اما مردم و مسئولین، به رغم اذعان آگاهی کامل از معضلات متعدد در هر مورد، خود را از اصلاح وضعیت حاضر عاجز می دانند. به عبارت دیگر، از طریق تکنولوژی نهادهای، شرکت های چند ملیتی نظام هایی را طراحی و ترویج می کنند که ملت ها و دولت ها، حتی در نظام های مردم سالار امروز، در چارچوبی اسارت بار به رفتاری خلاف مصلحت

اگر دیده می شود که در مواردی، قدرت های بزرگ از دسترسی یک کشور به نوعی از فناوری (به استثنای فناوری های نظامی) جلوگیری می کنند، این بیشتر بر سبیل «الانسان حریص علی ما منع منه» (انسان برای آنچه از آن منع شود حریص می گردد) است. تحلیلی از جایگاه این ترفند در تاریخ سیاست های استعماری آمریکا که در ادبیات داستانی این کشور نیز منعکس شده در این نوشته آمده است: عباسی، ۱۳۹۲.

⁴⁸ عباسی، ۱۳۹۱، ج ۱، ۱۳۸۸.

خود وادار می شوند و هر گونه پیامد نامطلوب را صرفاً به عنوان تبعات اجتناب ناپذیر توسعه و پیشرفت می پذیرند.

خلاصه اینکه راهکارهای زیرکانه شرکت های چند ملیتی از یک طرف افکار عمومی و از طرف دیگر تصمیمات برنامه ریزان و سیاستگذاران را با هم و برای تامین منافع اقتصادی این شرکت ها در سطح بین المللی همسو ساخته است. بدین ترتیب، شرکت های چند ملیتی با سلطه رسانه ای و نفوذ آکادمیک خود توانسته اند از ظرفیت های نظام های مردم سالار به نفع خود بهره برداری کنند و استعمار سرزمینی قرون گذشته را به استیلای ذهنی قرن ۲۱، بدل کنند. این استیلای ذهنی اجازه داده است که گروهی بسیار کوچک از انسان های اروپایی تبار بدون اینکه منتخب جهانیان باشند از جایگاهی مستبدانه و فریبکارانه، به نام «توسعه»، «رشد» و «پیشرفت»، مردم و منتخبین آنها در دستگاه های برنامه ریز و سیاستگذار کشورها را در تاراج منابع سرزمین خود، به ضرر خود و به نفع اربابان سرمایه داری جهانی، به رقابت با یکدیگر وادار کنند.

۳ جوامع محلی: عرصه نبرد و کانون مقاومت

تاریخنگاران قرن ۲۲، تاریخ جوامع بشری در چند دهه منتهی به قرن ۲۱ را با محوریت افزایش قدرت و چیرگی کامل شرکت های چندملیتی بر مدیریت اقتصاد جهانی ثبت خواهند کرد. خواه نا خواه برای خواننده کنجکاو تاریخ در آن زمان، این سوال پیش خواهد آمد که استیلای رسانه ای و نفوذ در دانشگاه ها به تنهایی قادر به کنترل جوامع نیست چون بالاخره، پی بردن به فریبکاری سلطه گر می توانست به سادگی زمینه رهایی جوامع از کنترل مستبدانه این شرکت ها را برای مردم و منتخبین آنها در جوامع مردم سالار فراهم کند. اما تاریخنگاران فرضی ما الزاماً پدیده های دیگری را نیز به عنوان خصوصیات این دوران به ثبت خواهند رساند که خواننده تاریخ را در یافتن پاسخ به سوال خود یاری خواهد داد. یکی از این خصوصیات برجسته این دوران، مسلماً فروپاشی نظام های خودکفا و خوداتکا در جوامع محلی جهان و نتیجتاً ظهور وابستگی اقتصادی گسترده کشورها به تجارت جهانی، حتی برای اساسی ترین نیازمندی های خود مثل غذا، و نتیجتاً آسیب پذیری سیاسی کشورها در دست اربابان اقتصاد جهانی است.

در گذشته ای نه چندان دور، تقریباً تمامی مایحتاج اساسی جوامع، از جمله غذا، پوشاک، مسکن، انرژی و دارو، از محیط اطراف سکونتگاه های آنان تامین می شد. بسیاری از روستاها جوامع خودکفا و خوداتکایی بودند که ضمن تامین نیازمندی های خود، با مازاد محصولات خود نیازمندی های ساکنین

شهرها را نیز مرتفع می کردند. از سوی دیگر، نظام های مشارکتی بهره برداری از منابع محلی و روش های متنوع مبادله کالا و خدمات، مردم این جوامع را از نظام های پولی و اعتباری تا حد زیادی بی نیاز می کرد. لذا تا زمانی که ملت های کهن دنیا از برکات استقلال، روحیه مشارکت و تعاون و خودکفایی و خوداتکایی جوامع محلی خود برخوردار بودند، استعمار نمی توانست به نفوذ و چیرگی کامل و پایدار، حتی با توسل به اشغال نظامی، دست یابد. و این درسی بود که کشورهای قدرتمند و سلطه جو پس از جنگ جهانی دوم و در رویارویی با جنبش های آزادیبخش جهان، به ویژه در درگیری نظامی آمریکا در ویتنام و جنوب شرق آسیا، آموختند. در این جنگ طولانی و نابرابر (۱۹۷۵-۱۹۵۵)، حمایت کشاورزان ویتنام از رزمندگان ویتنامی بود که دستگاه عربض و طویل نظامی آمریکا را عاجز ساخت و رهبران سیاسی این کشور را به پای میز مذاکرات صلح کشاند.

اشاره صریح سناتور آمریکایی «هیوبرت هامفری»^{۴۹} در دهه ۱۹۵۰ (که بعدها به معاونت ریاست جمهوری «لیندون جانسون» (۱۹۶۳-۱۹۶۹) برگزیده شد)، سخنان وزیر کشاورزی آمریکا «ایرل باتز»^{۵۰} در ۱۹۷۴، (یک سال بعد از معاهده صلح پاریس و یک سال قبل از خاتمه درگیری ها در ویتنام) و کلمات «هنری کیسینجر»، سیاستمدار مشهور و با نفوذ آمریکایی، در سال ۱۹۷۰، شکی باقی نمی گذارد که از نظر اربابان قدرت، ایجاد وابستگی غذایی در بین ملل برای پیشبرد اهداف راهبردی نظام سلطه امری کلیدی بوده است:

ملت ها قبل از اینکه هر کار دیگری بکنند باید غذا بخورند... اگر شما به دنبال راهی هستید که ملت ها به ما تکیه کنند، وابسته باشند و نتیجتاً با ما همکاری کنند، به نظر من [ایجاد] وابستگی غذایی، ایده آل است. هیوبرت هامفری^{۵۱}

غذا یک سلاح است. امروزه غذا یکی از ابزار اصلی ما در هنگام مذاکره با دیگر کشورهاست. ایرل باتز،^{۵۲}

با نفت می توان کشورها و با غذا می توان ملت ها را کنترل کرد. هنری کیسینجر^{۵۳}

⁴⁹ Hubert Humphry

⁵⁰ Earl Butz

⁵¹ به نقل از Newman, 2007

⁵² به نقل از Kristof Nordin, 2010

⁵³ Investment Watch, 2012.

تعجب آور نیست که پی ریزی «نهاد فراملیتی کشاورزی» که با شعار «انقلاب سبز» و مبارزه با گرسنگی پا به عرصه دانشگاهی و روستایی جهان گذاشت نیز به دهه ۱۹۵۰ میلادی باز می گردد. این نهاد که با برنامه ریزی مستقیم بنیاد راکفلر^{۵۴} شکل گرفت، با ترویج بذره‌های اصلاح شده، کودهای شیمیایی و از هم پاشیدن نهادهای بومی بهره برداری مشارکتی از منابع کشاورزی، زمینه نابودی جوامع روستایی، تضعیف خودکفایی غذایی کشورها و نتیجتاً وابسته سازی جوامع به تجارت جهانی برای واردات غذا و نهاده های کشاورزی را فراهم ساخت.^{۵۵} همزمان، تکرار نظریه های جعلی و گمراه کننده ای چون «رشد»، «تجارت آزاد» و «مزیت نسبی» در رشته اقتصاد، وابستگی جوامع به تجارت جهانی برای دیگر کالاهای اساسی را برای افکار عمومی، نخبگان اقتصادی و سیاستگذاران کشورها معقول و مطلوب جلوه داده شده است.^{۵۶} این تحولات در عرصه اقتصادی و سیاستگذاری جهان، تاثیری مشابه و فراگیر در تمامی جوامع داشته و زوال عمومی جوامع محلی را در پی داشته است. فروپاشی گسترده روستاها به عنوان اساس خودکفایی و خوداتکایی کشاورزی کشورها، حاکی از این واقعیت است که شرکت های بزرگ که همواره در پی گشودن بازارها برای مصنوعات خود و دسترسی بیشتر به منابع اولیه بوده اند، عرصه بنیادین تعارض خود را جوامع محلی قرار داده اند. این عبرت بزرگی است که دارای اهمیتی راهبردی برای سیاستگذاری و برنامه ریزی در کشورهای مستقل دنیاست.

www.eabbassi.ir

دلیل دیگری نیز برای صحت این برداشت وجود دارد. در بیش از سه دهه اخیر، با آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت استبدادی نظام اقتصاد جهانی، جمعی از نواندیشان توسعه در کشورهای مختلف دنیا، با شعار «مقاومت»^{۵۷}، اقدام به قطع وابستگی و رفع آسیب پذیری اقتصادی و زیست محیطی جامعه خود از نظام سلطه کرده و به موفقیت های چشمگیری در احیای جامعه محلی خود دست یافته اند. موفقیت این جوامع کوچک در دستیابی به «توسعه همه جانبه محلی» - یعنی توسعه هماهنگ و همزمان در

⁵⁴ Rockefeller Foundation یکی از با سابقه ترین و با نفوذ ترین بنیادهای مرتبط با شرکت های بزرگ است. این بنیاد که

منابع مالی آن از سوی شرکت بزرگ نفتی «استاندارد اویل» تامین می شود از سال ۱۹۱۳ به این سو در بسیاری از زمینه های اقتصادی، سیاسی، علمی و فناوری در کشور ایالات متحده و در سراسر جهان فعالیت داشته است. به ویژه، تاثیر این بنیاد بر شکلی گیری نهادهای حاکم بر کشاورزی، بهداشت و درمان، و روابط بین الملل و رشته های مختلف در علوم اجتماعی توسط پژوهشگران بررسی شده است: Brown, 1979; Wormser, 1958; Morris, 2005; Roelofs, 2003; Arnov, 1980; Guillhot, 2011

⁵⁵ عباسی، ۱۳۹۱.ب.

⁵⁶ فلچر، ۲۰۱۰؛ مکوانا، ۲۰۰۵؛ کورتن، ۲۰۱۳؛ شیخ، ۲۰۰۵؛ عبدالله، ۲۰۱۳؛ دیلی، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱؛ جکسون، ۲۰۱۰.

⁵⁷ "resilience"

اقتصاد، جامعه، علم و فناوری و فرهنگ - در عمل، این جوامع محلی، را در برابر تلاطمات و بحران های اقتصاد جهانی مقاوم کرده و تجارب و الگوهای قابل توجهی برای شهروندان و سیاستگذاران در دیگر کشورهای جهان فراهم ساخته است. این جوامع خود را با اسامی مختلفی چون «روستای سالم»، «اکو دهکده» و «محلّه سالم در شهرهای در حال گذار» معرفی می کنند.

قبلا در جاهای دیگر، مفصلا به معرفی نمونه هایی از این جوامع و چگونگی به وجود آمدن آنها پرداخته ایم.^{۵۸} خلاصه مطلب اینکه، امروزه مجموعه رو به رشدی از روستاهای سالم، واقع در تمامی قاره ها، در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان، اروپایی و غیر اروپایی، آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی، با هم، «شبکه جهانی روستاهای سالم» را به وجود آورده اند.^{۵۹} مادامی که روستاها عموماً، در جمیع کشورها، رو به زوال بوده اند، برخی از این روستاهای نوظهور از جمله ثروتمندترین، معروف ترین و با نفوذترین جوامع کوچک دنیا شده اند.^{۶۰} محلّه های سالم نیز در صدها شهر در سراسر دنیا پا گرفته و امید اهالی این شهرها به آینده ای بهتر و سالم تر را بیشتر کرده اند.^{۶۱}

در میان این جوامع پیشرو، از لحاظ اقلیمی، فعالیت های اقتصادی، ترکیب جمعیتی، دین، زبان و ملیت، تنوع وسیعی وجود دارد. اما مشترکات فراوانی نیز قابل شناسایی است. یکی از این مشترکات درک عمیق بنیانگذاران و اهالی این جوامع از علت ریشه ای وضعیت موجود است. ساکنان این جوامع نوظهور شرط خاتمه دادن به زیاده خواهی نظام سلطه را خاتمه دادن به زیاده خواهی های فردی می دانند. و این امر فقط وقتی میسر است که مردم در جوامع کوچک محلی زندگی کنند. در چنین شرایطی، مردم به ظرفیت های طبیعت پیرامونی خود واقف می شوند و می توانند با همکاری و مشارکت فکری یکدیگر (خرد جمعی)، بهره گیری عادلانه و پایدار از دارایی های مشترک^{۶۲} برای

⁵⁸ عباسی، ۱۳۹۲، ۵۱۳۹۳ ج.

⁵⁹ شبکه جهانی دهکده های سالم هم اکنون دارای وبگاهی است که برای تبادل تجربه بین این روستاها به وجود آمده است.
<http://gen.ecovillage.org>

⁶⁰ عباسی، ۱۳۹۴ ب.

⁶¹ شبکه ای برای تبادل تجربه بین محلّه های سالم جهان نیز به وجود آمده است: www.transitionnetwork.org

⁶² نعمت های خداداد یک سرزمین مثل آب، هوا، مرتع، جنگل، اراضی زراعی و ذخایر ژنتیکی (بذر، دام، طیور و درختان مثمر و غیر مثمر بومی) را از جمله «دارایی های مشترک» (commons) مردم یک سرزمین می دانند. پیش از نفوذ سیستم های سرمایه داری جهانی در جوامع کهن، بهره برداری مشارکتی مردم محلی از این دارایی ها برای تامین معاش و تداوم فرهنگ قومی و دینی خود نه تنها به پایداری این منابع کمک می کرد بلکه موجب تحکیم پیوند بین مردم و سرزمین پیرامونی خود بود. با استقرار سیستم های جهانی، کمرنگ شدن ارزش های اخلاقی و ترویج فرهنگ فردگرایی، خودبینی و رقابت در میان بهره برداران، نخستین قربانی در

دستیابی به خودکفایی و خوداتکایی محلی را در محل مدیریت کنند. در جوامع سالم جهان، این درجه از نقش آفرینی مردم، نوعی مردم سالاری تکامل یافته تر را ممکن ساخته است که در آن، شهروندان نه تنها به حقوق و آزادی های فردی خود اشراف یافته اند، بلکه به مسئولیت های خطیر خود در قبال آزادی ها و حقوق دیگران نیز واقف شده اند. این مردم سالاری جامع تر که فقط به رای دادن در انتخابات سراسری محدود نمی شود، راه را بر زیاده خواهی های فردی و نتیجتاً نفوذ و استیلای ذهنی نظام سلطه در این جوامع بسته و الگویی عملی و مؤثر برای مقاومت در برابر بهره کشی شرکت های چند ملیتی به وجود آورده است. پیروی از این مردم سالاری جامع به تجربه نشان داده است که یک جامعه زمانی در برابر نفوذ فرهنگ رقابتی و زیاده خواهانه استبداد جهانی مقاوم می شود که مردم سالاری در تاروپود اجتماعی و اقتصادی جامعه و نیز در انتخاب و بهره گیری از علم و فناوری مناسب جاری باشد. برای بیان روشن تر، به توصیف این دو جبهه مقاومت می پردازیم.

جبهه مقاومت ۱: مردم سالاری در تار و پود جامعه و اقتصاد

در شرایط کنونی که بازیگران بزرگ و تعیین کننده اقتصاد جهانی، یعنی شرکت های چندملیتی و نهادهای مالی و حقوقی آنها، در تقابل با جوامع محلی و تولید کنندگان خرد قرار گرفته اند، مسلماً مطلوب است که برای تحقق اقتصاد مقاومتی روشن ها و سیاست هایی اتخاذ شود که در این نبرد، دست تولید کنندگان خرد تقویت گردد. در بیش از ۶ دهه اخیر، در این تقابل نابرابر، نظام استبداد جهانی قادر شده است که کنترل بسیاری از دارایی های مشترک در جوامع، مثل آب، خاک، جنگل و مرتع را از مدیریت مردم محلی خارج کند و آنها را، با تحمیل برنامه هایی چون «ملی سازی»، در خدمت تجارت جهانی قرار دهد. ناتوانی کشورها در مقابله با این تاراج پنهان، ریشه در نظریه اقتصادی جعلی ای دارد که «تراژدی دارایی های مشترک»^{۶۳} نام گرفته است.

به رغم شواهد تاریخی و کنونی بر نادرستی این نظریه، مفروضات «تراژدی دارایی های مشترک»، توانایی مردم محلی برای مدیریت و محافظت از منابع طبیعی محیط خود را در اذهان نخبگان رشته اقتصاد، برنامه ریزان و سیاستگذاران ناکافی القا کرده است. در صورتی که این شواهد ثابت می کند که، به جای خارج کردن منابع طبیعی از کنترل اهالی محل، ترویج مهارت های اجتماعی و تشکل سازی در بین مردم، با هدف تسهیل بهره برداری مشارکتی از منابع، راه موثری برای محافظت از

این جوامع، پیوند مردم با دارایی های مشترک سرزمین خود و نتیجتاً نابودی تدریجی آنها بوده است. برای بحث مفصل تری در مورد سیستم های جهانی و چگونگی استقرار آنها و تاراج منابع طبیعی جوامع، بنگرید به: عباسی، ۱۳۹۵الف.

⁶³ the tragedy of the commons

آن‌هاست. بررسی پیشینه این نظریه و اینکه چگونه به عنوان یکی از مفروضات بی اساس مدیریت منابع وارد رشته اقتصاد و مجامع سیاستگذاری در کشورها شده، مورد عبرت آموزی برای نشان دادن سهولت جعل علمی و میزان اثرپذیری مستقیم و غیر مستقیم سیاستگذاری دولت‌ها و نتیجتاً ایجاد فرصت‌های مطلوب برای اربابان سرمایه است:

در دوران استعمار، اگر امتیاز بهره برداری از منابع طبیعی یا کانی یک مستعمره به یکی از شرکت‌ها و یا اتباع کشورهای استعمارگر واگذار می‌شد، یقیناً با مقاومت یا اعتراضاتی از سوی مردم و رهبران ضد استعماری روبرو می‌شد.^{۶۴} اما امروزه بهره برداری اقتصادی از منابع یک کشور برای تامین بازارهای جهانی، به دست فعالان اقتصادی همان سرزمین و با مجوز دولت‌های مرکزی کاملاً عادی شده است. حتی فعالان پرتلاش در حوزه کشاورزی، صنعتی و کانی کشورها که موفق به صادرات میزان بالایی از محصولات خود شده‌اند مورد تشویق قرار گیرند. نظریه «تراژدی دارایی‌های مشترک» نقشی کلیدی در عادی شدن بهره برداری گسترده از منابع کشورها برای تامین بازارهای جهانی و ثروتمندتر کردن هر چه بیشتر شرکت‌های بزرگ داشته است.^{۶۵}

از نیمه قرن بیستم به این سو، با استناد مکرر به این نظریه بی اساس و غیر علمی که مشهورترین نگارش آن در مقاله‌ای با همین عنوان در سال ۱۹۶۸ توسط زیست‌شناسی به نام «گرت هاردین» به چاپ رسید، موجی از خصوصی سازی و ملی سازی منابع طبیعی در کشورها آغاز شد. با گسترش این پدیده که موجب سلب مدیریت مشارکتی این منابع توسط بهره برداران محلی گردید تخریب منابع طبیعی سرزمین‌های جهان نیز کلید خورد. در این نوشته هاردین که مکرراً به آن استناد شده است، دغدغه اصلی نویسنده ازدیاد جمعیت و بررسی چگونگی رسیدن به تعادل در این حوزه از طریق دستیابی به نرخ رشد جمعیت برابر با صفر بود. او در ابتدا به «آدام اسمیت»^{۶۶} و اصل «دست نامرئی» این اقتصاددان قرن هجدهم اشاره می‌کند. وی ادعا می‌کند که اصل دست نامرئی اسمیت که به زعم او موجب تنظیم خود بخودی بازارها می‌شود در کنترل جمعیت صدق نمی‌کند و لذا نمی‌توان از افراد انتظار داشت که مصلحت کل جامعه را در این خصوص درک کنند و لذا برای تنظیم بچه زایی در خانواده‌ها دولت‌ها صلاح جامعه را بهتر می‌دانند و می‌باید نقشی تعیین کننده داشته باشند.

⁶⁴ نمونه‌ای تاریخی از این دست «نهضت تنباکو» در زمان سلطنت سلسله قاجار در ایران بود که در واکنش به اعطای امتیاز

انحصار دخانیات به «جرالد تالبوت» و کمپانی رژی انگلیسی از سوی ناصرالدین شاه شکل گرفت.

⁶⁵ Hardin, 1968; Appell, 1993; McCay and Jentoft, 1998; Berkes, 1989; Altrichter and Basurto, 2008; Ostrom, 1990

⁶⁶ Adam Smith

او برای تبیین موضع خود مثالی از چگونگی بهره برداری گروهی از شبانان فرضی که به صورت مشترک از یک مرتع برای چرای گوسفندان خود استفاده می کنند می آورد. او ادعا می کند که هر یک از این شبانان فرضی در تعیین تعداد گوسفندان خود فقط نظر به منافع خود دارد و در نتیجه استفاده مشارکتی این گروه از رقبا نهایتاً به ویرانی مرتع مشترک آنها می انجامد.

وی در ادامه مقاله مثال های دیگری، از جمله استفاده رقابتی اهالی یک شهر از پارکینگ مجانی و ایجاد آلودگی صوتی در شهرها توسط شهروندان، می آورد تا نهایتاً ثابت کند که زوج ها نباید در تعیین تعداد فرزندان خود آزادی و حق انتخاب داشته باشند چون با بچه زایی بیشتر آزادی دیگران را در بهره برداری از منابع مشترک در جامعه و در جامعه جهانی محدود می کنند که نهایتاً ویرانی همه منابع را در پی خواهد داشت. در اینجا هدف ما بررسی نظرات هاردین پیرامون راه های مبارزه با ازدیاد جمعیت و یا آزادی زوج ها در فرزندآوری نیست. ولی عدم اطلاعات کافی این نویسنده در مورد بهره برداری مشارکتی از مراتع توسط گله داران سنتی موجب مشهور شدن نظریه سراسر نادرستی شد که تبعات نامطلوبی از لحاظ سیاستگذاری، زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی داشته است. به لحاظ مقالات و کتب پرشماری که در حمایت از نظریه «تراژدی دارایی های مشترک» به چاپ رسیده است، امروزه این نظریه نزد اقتصاددانان، به عنوان یکی از مفروضات خدشه ناپذیر در توجیه خصوصی سازی و یا ملی سازی منابع طبیعی به شمار می رود، در صورتی که پافشاری بر این نظریه نادرست و غیر علمی، بنا به شواهد انکارناپذیر، در عمل به تخریب بی سابقه این منابع انجامیده است.⁶⁷

آنچه مسلم است، هاردین زیست شناس، از نظام های محلی بهره برداری مشارکتی از منابع مشترک در جوامع کهن جهان، که تابع عرف و توافق های محلی است، کاملاً بی اطلاع بود و فقط برای پیشبرد استدلال خود، استناد به رفتار رقابتی گروهی از شبانان فرضی را کافی دانسته است. اما در واکنش به این نظریه نادرست و پیامدهای فاجعه آمیزی که ملی سازی و خصوصی سازی در تخریب منابع طبیعی جهان به دنبال داشته است، صاحب نظران در دیگر رشته های علوم اجتماعی که به پیشینه نظام های بهره برداری از منابع مشترک جوامع عالم تر اند، مثل، مردم شناسان و جامعه شناسان، این اشتباه فاحش هاردین را گوشزد کرده اند.⁶⁸ این صاحب نظران با ذکر مصادیقی از فرهنگ های مختلف جهان نشان داده اند که بهره برداران محلی توانسته اند، طی قرون و در عصر حاضر، از طریق شکل سازی،

⁶⁷ Appell, 1993.

⁶⁸ Warren, et al., 1995; McCay and Acheson, 1987; Berkes 1989; National Resource Council, 1986.

مشارکت فکری و یاریگری، بهره برداری عادلانه، به لحاظ اجتماعی، و متعادل، به لحاظ زیست محیطی، را در جوامع خود سامان بخشند. بر خلافِ مواقعی که مدیریت و نظارتِ بهره برداری از منابع طبیعی به برنامه ریزان و مدیران در مرکز و یا به بخش خصوصی سپرده می شود، در نظام های بهره برداری مشارکتی محلی، مدیریت و نظارت هر دو به دست مردم محلی انجام می شود و لذا امکان سوء مدیریت و سودجویی ناشی از فقدان اطلاعات لازم و یا شتاب در تحصیل ثروت و زیاده خواهی فردی کاهش می یابد. برعکس، وقتی اختیار مدیریت منابع از دست اهالی محل گرفته می شود، اهالی خود به یکی از رقبای بهره برداری های ناپایدار از همین منابع بدل می شوند و فرسایش و تخریب منابع سرعت بیشتری پیدا می کند. پس آنچه برای بهره برداری و حفاظت از دارایی های مشترک جوامع کارساز است، نه برنامه ریزی متمرکز و خصوصی سازی، بلکه آموزش مهارت های اجتماعی، احیای نهادهای مشارکتی بومی و ایجاد نهادهای محلی جدید برای تشویق یاریگری و تصمیم گیری گروهی توسط بهره برداران محلی است.

در دهکده ها و محله های شهری سالم که با هدف مشخص مقاومت در برابر فرهنگ فردگرا، زیاده خواه و رقابتی استبداد نوین به وجود آمده اند، به آموزش مهارت های اجتماعی برای تعامل دوستانه تر بین اهالی و رسیدن به خرد جمعی در تصمیم گیری های عمومی، توجه ویژه ای می شود. اهالی این جوامع، ارتباط انسانی روشن و محترمانه، که عاری از خشونت و عیب جویی و سرزنش باشد، را از نیازهای کلیدی جوامع انسانی می دانند. طبعاً در جامعه ای که اعضای آن در خصوص ارتباط روشن و محترمانه آموزش دیده اند، تذکر لسانی، با رغبت داده و با سپاس دریافت می شود.⁶⁹ از سوی دیگر، اهالی این جوامع دریافته اند که برای بهره گیری مشارکتی از منابع مشترک راه های متنوع تری برای تصمیم گیری گروهی، سوای رای گیری، وجود دارد. یکی از این راه ها، «تصمیم گیری گروهی از طریق اجماع»⁷⁰ است. در این روش به جای انتخاب بین دو یا سه گزینه از پیش مشخص شده، تصمیم گیرندگان، توامان به اندیشه پردازی و تصمیم سازی جمعی می پردازند تا تصمیم نهایی به واقع برخاسته از مشورت و خرد جمعی همه افراد ذینفع باشد. پیروی از این شیوه تصمیم گیری در اکثر مواقع از حمایت تمامی اعضا برخوردار است و گروهی کوچکتر به عنوان «اقلیت» خود را از برکات تصمیم گیری «اکثریت» بی نصیب نمی بیند که دشمنی و سنگ اندازی کند.⁷¹

⁶⁹ خلاصه ای از اصول ارتباط روشن و محترمانه مورد نظر این جوامع که قرابت جالب توجهی با پیشینه تعلیمات اخلاقی در فرهنگ ما ایرانیان دارد در صفحه زیر به زبان فارسی آمده است: www.eabbassi.ir/humancommclrrsptfulintro.htm

⁷⁰ consensus decision-making

⁷¹ اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی مشورت و تصمیم گیری در «تصمیم گیری گروهی با اجماع» در صفحه زیر به زبان فارسی

جبهه مقاومت ۲: مردم سالاری در انتخاب علم و فناوری

همانند نظام بهره برداری از منابع طبیعی مورد حمایت استبداد نوین که میل به تمرکزگرایی و کوتاه کردن دست اهالی محل از کنترل و نظارت جمعی منابع پیرامونی خود داشته است، تولید علم و انتخاب فناوری ها نیز همین مسیر را طی کرده است. هم اکنون در تولید غذا، انرژی، مسکن، سلامت، آموزش و علم و فناوری در کشورها شاهدیم که برنامه ریزی و مدیریت متمرکز و سرمایه گذاری کلان الزامی شده است به صورتی که مشارکت فکری، مدیریت و نظارت مردم در جوامع محلی در این حوزه ها هر روز کم رنگ تر می شود. مردم در اکثر کشورها، برای اساسی ترین نیازهای خود، نه تنها متاثر از تصمیمات برنامه ریزان در پایتخت کشور خود اند، بلکه نسبت به سیاست های شرکت های بزرگ و نهادهای بین المللی مرتبط با نظام استبداد جهانی، کاملاً آسیب پذیر شده اند:

امروزه، به هر یک از کالاهای اساسی مردم که بنگریم، تمرکز گرایی (به معنی نیاز به برنامه ریزی بالا به پایین) و وابستگی به سرمایه گذاری کلان (یعنی نیاز به نظام متمرکز بانکی) کاملاً مشهود و به همان میزان کنترل مردم بر فرآیند تامین این کالاها کم رنگ تر و نامحسوس تر است: بخش عظیمی از غذای جهانیان یا از محل واردات خوراکی ها و یا محصولات داخلی که با استفاده از نهاده های کشاورزی وارداتی تولید شده است تامین می گردد. واردات کالاها بدون تامین ذخایر ارزی توسط دولت های مرکزی و توزیع و مصرف نهاده های کشاورزی وارداتی بدون پرداخت یارانه های عظیم دولتی امکانپذیر نیست.

از سوی دیگر، غالب مردم که به برق دسترسی دارند، این انرژی را از طریق شبکه های متمرکز متکی به برق نیروگاهی دریافت می کنند. در حوزه مسکن، رواج مصالح صنعتی، مثل تیر آهن و سیمان، کشورها را به واردات این اقلام مجبور کرده است و گرانی این اقلام، چه وارداتی و چه تولید داخلی، ساخت و خریداری مسکن را مستلزم سرمایه گذاری کلان و اخذ وام از نظام بانکی کرده است. در حوزه سلامت، برخلاف گذشته ای نه چندان دور که طب محلی در دورترین نقاط زمین آلام مردم را التیام می بخشید، امروزه در صورت بروز بیماری ها، مردم بهبودی خود را ناگزیر از نظام پزشکی و داروهای شیمیایی ساخت شرکت های بزرگ داروسازی می جویند. حتی برای کار و درآمد نیز خردسالان و بزرگسالان فقط از نوعی آموزش بهره مندند که ایشان را عمدتاً برای «استخدام» در نظامی

متمرکز، مثل ادارات دولتی، شرکت ها و کارخانجات بزرگ، آماده می کند و در صورتی که این نوع مشاغل وجود نداشته باشد، خیل عظیمی از دانش آموختگان جوان به صف بیکاران جامعه می پیوندند.^{۷۲} لذا، با این میزان از وابستگی به نظام های متمرکز، توان افراد برای نقش آفرینی به منظور مقاومت در برابر سیاست های جهانی که بر مهیا بودن شرایط مناسب اقتصادی، قیمت های کالاهای اساسی و توان خرید مردم اثرگذار است ناچیز است.

در جوامع سالم جهان، بهره گیری از فناوری های مناسب، جایگاه برجسته ای در رهایی از وابستگی به نظام های متمرکز و نتیجتاً امکانپذیر کردن نقش آفرینی مردم در مقاومت در برابر نظام استبداد جهانی داشته است: در این جوامع، با هوشیاری کامل در برابر القائات نادرست نهاد فراملیتی کشاورزی، اهالی مجدداً به کشت بذرها، پرورش دام و طیور بومی و احیای روش های غیر شیمیایی کشاورزی محلی روی آورده اند تا ضمن دستیابی به بازده اقتصادی بالاتر، از خریداری بذرهای اصلاح شده و کود و سموم شیمیایی و دیگر نهاده های مورد حمایت شرکت های بزرگ بی نیاز شوند. دانش ساخت و ساز مسکن ارزان و ایمن مطابق با اقلیم احیا شده است. بهره گیری از طراحی بومی و مصالح محلی ارزشمند^{۷۳} و مشارکت اهالی در خانه سازی تعاونی با همسایگان، شرایط مطلوبی به وجود آورده است که در آن کسی به علت کمی درآمد و یا عدم دسترسی به وام بانکی بی خانمان یا اجاره نشین باقی نمی ماند. توسعه انرژی محلی در این جوامع به اهالی اجازه داده است که نه تنها از برق شبکه بی نیاز شوند، بلکه با تولید انرژی و انتقال آن به شبکه سراسری، به درآمد خود بیفزایند. کسب تجربه در تولید انرژی محلی از آفتاب و باد، موجب شده است که برخی از این جوامع به بازار وسایل و ادوات تولید انرژی های پاک، مثل تابلوهای (راکتورهای) خورشیدی و آبگرمکن و اجاق های آفتابی و توربین های بادی تولید برق راه یابند و با تولید و فروش این فناوری ها به رونق اقتصاد محلی خود بیفزایند.^{۷۴}

⁷² نظام آموزشی کنونی که مطلوب شرکت های بزرگ و نهادهای مورد حمایت آنهاست، همواره خیل عظیمی از طالبین کار با مهارت های مورد نظر ایشان را در صف جویندگان کار آماده دارد، اما فرصت های شغلی هرگز به تعدادی نیست که جوابگوی همه دانش آموختگان این نظام باشد. و از آنجاییکه دانش آموختگان طی سال های تحصیلی از آموزش های مرتبط با خلاقیت در ایجاد کار برای خود بی بهره اند قادر به آغاز فعالیت های مستقل اقتصادی نیستند. برخی از صاحبانظران معتقدند که نظام «استخدامی»، مثل نظام های تاریخی دیگری چون برده داری و سرواژ (نظام فئودالی در اروپا) نظامی رو به افول است چون با شرایط تاریخی عصر حاضر سازگاری ندارد. رابرتسون، ۱۹۸۵.

⁷³ عباسی، ۱۳۸۹.ب.

⁷⁴ عباسی، ۱۳۸۹.الف.

در این جوامع همچنین بهره مندی از غذای تازه و سالم محلی زمینه سلامتی بیشتر اهالی را فراهم کرده و نتیجتاً نیاز به خدمات درمانی در این جوامع کمتر است. در صورت بروز بیماری ها، توجه و اتکای اهالی به طب مکمل و سنتی است که به صنایع داروسازی جهان وابسته نیست. همچنین در دهکده ها و محله های شهری سالم ساکنین معتقد به نوعی از آموزش، پرورش و پژوهش برای خردسالان و بزرگسالان اند که ایشان را، به صورت فردی و جمعی، برای رویارویی با چالش های جهان کنونی و مقاومت در برابر سیاست های نظام سلطه، از طریق نوآوری و خلاقیت در درک بهتر مسایل و حل آنها در محل آماده می کند. سیستم های آموزشی مقاومتی بر جامعیت آموزش ها برای تربیت نسلی خلاق و جمع گرا تاکید دارند. لذا علاوه بر موضوعاتی چون علوم، ریاضیات و زبان خارجی، مهارت هایی چون خوب اندیشیدن، خوب سخن گفتن و خوب تصمیم گرفتن را به نونهالان و جوانان می آموزند.⁷⁵ برخلاف سیستم های آموزشی کشورهای تحت سلطه که در آنها دانش آموزان و دانشجویان صرفاً برای «استخدام» آماده می شوند، هدف سیستم های آموزشی در جوامع سالم اساساً تربیت انسان هایی است که تمامی عمر خود را فرصتی برای خدمت به جامعه و دستیابی به کمال معنوی می بینند.

نمونه های فوق از تلاش فعالان در خط مقدم جبهه های مقاومت در برابر استبداد جهانی، از حمایت برنامه ریزان و سیاستگذاران در کشورهای خود برخوردار بوده است. این حمایت ها در به ثمر نشستن و تعمیم موفقیت آمیز این نوآوری ها در سطحی وسیع تر مؤثر و راهگشا بوده است.

حمایت های پشت جبهه مقاومت: سیاست گذاری های مساعد

تلاش ها و ابتکارات مردم در گوشه و کنار دنیا برای مقاوم سازی جوامع محلی در برابر زیاده خواهی های نظام استبداد نوین، برای برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورها نیز الهام بخش بوده است. بحران اقتصادی اخیر جهان که از سال ۲۰۰۸ آغاز شد، به صورت مزمن شرایط زندگی در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای بزرگ صنعتی، را نامطمئن و نامطلوب ساخته است. نارضایتی عمومی ناشی از این بحران، مسایل پیچیده ای برای برنامه ریزان، سیاستگذاران و مدیران اجرایی کشورها نیز ایجاد کرده است. از یک سو سیاست های مالی نهادهای خودکامه بین المللی و از سوی دیگر انتظارات توده ها از دولت ها برای مقابله با تبعات نامطلوب اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی این سیاست ها در سطح

⁷⁵ یکی از توسعه یافته ترین نمونه های این گونه برنامه های آموزشی برای خردسالان و بزرگسالان در دهکده سالم «اورویل»

واقع در جنوب هند به وجود آمده است: <http://archive.auroville.org/education.htm>

ملی، موجب شده که دولت‌ها از نقش‌آفرینی بیشتر مردم در اداره امور استقبال کنند.^{۷۶} از این رو، امروزه تمایل بیشتری در میان سیاستگذاران برای اتخاذ سیاست‌هایی که مردم را به مشارکت در حل مسایل محلی تشویق می‌کند دیده می‌شود.

یک مورد از این سیاستگذاری‌ها ایجاد ساختارهای قانونی جدید برای جلب نظر سرمایه‌گذاران خرد جهت آبادانی جوامع محلی خود است. سیاستگذاران به تدریج دریافته‌اند که احداث تالارهای بورس و یا جذب سپرده‌ها در بانک‌ها عموماً سرمایه‌های خرد را به جایی دیگر در کشور هدایت می‌کند و الزاماً به سرمایه‌گذاری در محل برای بهبود شرایط زندگی در همان مکانی که سرمایه‌گذار در آن زندگی می‌کند نمی‌انجامد. با گسترش عظیم «کسب و کارهای اجتماعی»^{۷۷} در جوامع محلی، سیاستگذاران همچنین دریافته‌اند که ساختارهای جدید برای ثبت شرکت‌های محلی راه مؤثری برای تشویق نقش‌آفرینی مردم در جوامع محلی برای رویارویی با مسایلی چون بیکاری و رکود است. (توضیح بیشتر در «نتیجه‌گیری») «شرکت منافع محلی»^{۷۸} در انگلستان و «شرکت با مسئولیت محدود و سود کم»^{۷۹} در آمریکا دو نمونه از این شرکت‌هاست که در قوانین بازرگانی این دو کشور تعریف شده‌اند.

www.eabbassi.ir

از سوی دیگر، برای مقابله با آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر نوسانات نرخ ارز و تورم ناشی از سیاست‌های مالی در سطح بین‌المللی، برخی از بانک‌های مرکزی مجوز ایجاد پول‌های محلی (با رعایت قوانین مرتبط با مالیات) را صادر کرده‌اند. در کشورهای اروپایی، رواج پول‌های محلی در جاهایی که اهالی راغب به ایجاد آنها بوده‌اند موجب رونق بی‌سابقه کسب و کار در شهرها و روستاها و کاهش نرخ بیکاری شده است. دلیل این رخداد این است که با توزیع پول‌های محلی، گردش پول در محل تثبیت شده و با گردش نقدینگی در محل مشاغل بیشتری ایجاد می‌شود. با ایجاد مشاغل در تولید و ارائه خدمات، بر خودکفایی و خوداتکایی جامعه افزوده و مسیر حرکت پول، که معمولاً از جوامع کوچکتر به سوی جوامع بزرگتر است، معکوس می‌گردد.^{۸۰}

⁷⁶ در این ارتباط «برنامه توسعه سازمان محلل متحد» (یو ان دی پی) مجموعه گزارشاتی از اقدامات دولت‌ها و چالش‌های پیش رو منتشر کرده است.

www.undp.org/content/undp/en/home/librarypage/democratic-governance/local_governance.html

⁷⁷ social enterprise, social business

⁷⁸ community interest company

⁷⁹ low-profit limited liability company

⁸⁰ مصادیقی از این نوع در مقاله‌ای با عنوان «حکایت دو دهکده سالم: الگویی برای احیای اقتصادی جوامع محلی» آمده

است. داسون، ۲۰۱۰.

در زمینه های فنی نیز برنامه ریزی و سیاستگذاری ها در جهت تشویق نقش آفرینی بیشتر مردم سوق داده شده است. امروزه در کشور آمریکا، بر خلاف سیاست های دهه های گذشته، مقررات ملی ساختمان روش های مبتکرانه خانه سازی را پذیرفته است. لذا ضمن تاکید بر ایمنی و دوام سازه های ساخته شده با طراحی های بدیع و مصالح متفاوت، صدور مجوز و پایان کار را برای شهرداری ها الزامی ساخته است.⁸¹ در واکنش به مسایل مرتبط با شبکه های سراسری برق، مثل اتلاف ۷۰ درصدی انرژی نیروگاهی و قطعی برق در پهنه های وسیع در هنگام رخداد بلایای طبیعی، ظهور تولیدکنندگان کوچک و متوسط محلی، برنامه ریزان را به روزآمد کردن شبکه های ناکارآمد ترغیب کرده است. در برخی از کشورها، ارتقاء فناوری به صورتی انجام شده است که نیروگاه های بزرگ و پرهزینه کاملا حذف شده اند و تمامی انرژی شبکه از طریق تولید کنندگان کوچک و متوسط با راندمان بالا تامین می شود. این شبکه های پیشرفته، موسوم به «میکرو گرید»، به لحاظ کثرت تولیدکنندگان و تجهیزات ویژه، در صورت وقوع انواع بلایای طبیعی، در برابر قطعی برق در یک پهنه وسیع نیز مقاوم تر اند.⁸²

موفقیت جوامع محلی در احیای بذرهای بومی و ابتکار کشاورزان در بازاریابی و عرضه مستقیم محصولات محلی محرکی برای تغییرات کلان در سیاستگذاری کشاورزی کشورها شده است. در کشور ایتالیا، دولت ایالتی توسکانی اقدام به مشارکت با کشاورزان محلی برای گردآوری و تکثیر بذرهای بومی منطقه کرده است.⁸³ این برنامه همچنین شامل ترویج دانش بومی کشاورزی در بین تولیدکنندگان و ایجاد بازارهای محلی برای عرضه تولیدات کشاورزان خرد هر منطقه است. در اتریش⁸⁴ و کوبا⁸⁵، سیاست کلی این کشورها اساسا در جهت گسترش هر چه بیشتر کشاورزی غیر شیمیایی تغییر جهت داده است. در کوبا، بسیاری از مردم در شهر و روستا، برای بی نیازی کامل کشور

⁸¹ مثلا در مقررات ساختمان در ایالت کالیفرنیا در کشور آمریکا، که برگرفته از مقررات ملی ساختمان در آن کشور است، به مسئولین در شهرداری ها اختیارات گسترده ای برای صدور پروانه ساخت به متقاضیان داده شده است. بر اساس این اختیارات که در آخرین ویرایش این مقررات (۲۰۱۳) در بندهای شماره ۱۱-۱۰۴ و ۲-۱۱-۱۰۴ آمده تصریح شده است، که مسئولین می توانند به تشخیص کارشناسان خود هر طرحی که در اصل با اهداف مقررات همخوانی داشته باشد، حتی اگر از طراحی های متعارف فاصله داشته باشد و یا از مصالح جایگزین استفاده کند را تایید کنند. ترجمه کامل این دو بند در سند زیر آمده است:

www.eabbassi.ir/article_apptech_sandbag_code_authorization.pdf

⁸² گزارشی تصویری، سیر تکاملی شبکه های متمرکز ابتدایی و پراتلاف برق موسوم به «گرید» تا سیستم های پیشرفته «میکروگرید» امروز را در صفحه زیر نشان می دهد: www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_energy_loc.htm

⁸³ عباسی، ۱۳۹۲ الف.

⁸⁴ عباسی، ۱۳۹۲ ب.

⁸⁵ عباسی، ۱۳۹۲ ج.

از واردات نهاده های شیمیایی کشاورزی، به کشت محصولات خوراکی، برای مصرف خانوار و عرضه در بازارهای محلی مبادرت ورزیده اند.

بدین ترتیب می توان گفت که موفقیت نقش آفرینی مقاومتی مردم در جوامع سالم جهان که در واکنش به وضعیت بحرانی و آسیب پذیر اقتصادی و زیست محیطی جهان به وجود آمده است، همدلی و همزبانی بین دولت ها و مردمی که با احساس مسئولیت فردی و جمعی، ابتکار عمل را در احیای اقتصادهای محلی و خودکفا به دست گرفته اند را افزایش داده است. این همدلی و همزبانی نه تنها به «مردمی شدن» اقتصاد کمک کرده است، بلکه ابعاد جدیدی به مردم سالاری متداول افزوده است و الگویی کارآمد برای تشویق جهانیان در سطحی گسترده تر به سوی مردم سالاری مقاومتی در قالب نقش آفرینی هر چه بیشتر مردم در اداره امور آفریده است.

۴ مقاومت و نقش آفرینی مردم: فرهنگی رو به گسترش

تا اینجا پنج نکته کلیدی مطرح شد. دو نکته در مورد ماهیت استبدادی استعمار در عصر حاضر و سه نکته در مورد رویکرد مقاومتی از سوی فعالان نواندیش توسعه در رویارویی با این استبداد. دو نکته اول اینکه: (۱) در واکنش به مبارزات آزادی طلبانه مردم در مستعمرات و تشکیل حکومت های مردم سالار در جهان، اربابان قدرت شیوه تسلط و کنترل خود را تغییر داده اند و عمدتاً به فریب و استیلا ذهنی از طریق تسلط رسانه ای و نفوذ در شبکه دانشگاهی جهان متوسل شده اند و (۲) شرکت های چند ملیتی که موتور محرکه و مغز متفکر استعمار را تشکیل می دهند هم اکنون برای تسخیر و کنترل بازارها و منابع جهان، رقیب اصلی خود را جوامع محلی منسجم و مولد می دانند. به این معنی که این شرکت ها، به منظور ایجاد و استمرار وابستگی جهانیان به تجارت جهانی و نتیجتاً تشویق هماهنگی بیشتر دولت ها با مطالبات سیاسی قدرت های بزرگ، خواهان رکود مشارکت مردم در اداره امور محلی اند.

سه نکته مهمی که در مورد جبهه مقاومت بیان شد این است که آزادیخواهان جهان که از راهبرد جدید استعمار در تحکیم سلطه خود آگاه شده اند راه مقاومت در برابر شرکت های بزرگ را در (۱) تسهیل مشارکت بیشتر مردم محلی در مدیریت منابع از طریق بهره گیری از تعاون و مهارت های اجتماعی، (۲) بهره گیری از فناوری های مناسب برای پرهیز از تمرکزگرایی و نیاز به سرمایه گذاری های کلان و (۳) تشویق نواندیشی در سیاستگذاری ها برای تسهیل نقش آفرینی بیشتر مردم در اقتصادهای محلی یافته

اند. موفقیت چشمگیر جوامع سالم در محیط های روستایی و شهری نشان داده است که این راهبرد برای مردمی سازی و مقاوم کردن اقتصاد امری مطلوب و کاملاً امکانپذیر است.

موفقیت این آزمایشگاه های اجتماعی در گسستن از فردگرایی، زیاده خواهی، مصرف گرایی و تجمل گرایی از یک سو و توجه به مسئولیت فردی و جمعی در سعادت و بهروزی کل جامعه از سوی دیگر، موجب تحول عظیمی در مفهوم مردم سالاری شده است. دومین پیامد فرهنگی برخاسته از این پیروزی ها ظهور سازمان های پژوهشی و آموزشی متعددی است که با هدف توسعه و ترویج فناوری های مناسب و سیاستگذاری های مساعد به وجود آمده اند. تدوین سیاست های مساعد برای بهره گیری دولت های مستقل، ارائه دوره های کوتاه مدت و بلند مدت برای آموزش نقش آفرینی محلی به شهروندان و فعالان اقتصادی، و نیز اطلاع رسانی و ترویج فناوری های مناسب از جمله خدمات این سازمان هاست. در زیر به تشریح این دو پیامد فرهنگی می پردازیم که فرهنگ مقاومت را در جهان نهادینه ساخته است.

مردم سالاری مقاومتی: حقوق شهروندی همراه با مسئولیت های اجتماعی

در شرایط اقتصادی و سیاسی کنونی جهان، مردم سالاری متداول که به رای دادن در انتخابات، بهره گیری از آزادی های سیاسی مثل درج مقالات انتقادی در جراید و یا حتی شرکت در اعتراضات خیابانی محدود می شود کافی نیست. با توجه به استیلای ذهنی استبداد جهانی بر افکار عمومی، جامعه نخبگانی و مسئولین کشورها، مشارکت مردم در اداره امور و مسئولیت پذیری ایشان در مدیریت مشارکتی منابع محلی می باید پررنگ تر و ارتباط منتخبین مردم با شهروندانی که آنان را انتخاب کرده اند نزدیک تر و تعاملی تر (یعنی از بالا به پایین و از پایین به بالا) باشد. پیروزی جبهه مقاومت در روستاها و محله های سالم نشان داده است که این رویکرد به مردم سالاری، در مقاومت در برابر نفوذ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرکت های چند ملیتی در جامعه مؤثرتر است. لذا مردم سالاری مقاومتی، علاوه بر بُعد سیاسی جامعه، ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن را نیز در بر می گیرد.

صاحب نظران مباحث مردم سالاری نوین معتقدند که «خرد جمعی»^{۸۶} ضرورتی است که در کنار قوانین و مقررات، حقوق و مسئولیت های شهروند را تبیین می کند. خرد جمعی، در هر سطحی بر رعایت اصل گفتگو بین طرف های ذینفع، مثل همسر با همسر، فرزند با والدین، همسایه با همسایه، رییس با مرئوس و شهروندان با مسئولین، برای رسیدن به راه حل های حکیمانه، تاکید دارد. در مردم سالاری مقاومتی،

⁸⁶ co-intelligence

مردم خود را در مشارکت در اداره امور مسئول می دانند و طالب گفتگو بین خود و با سیاستگذاران و مدیران برای رسیدن به راه حل های مناسب محلی اند. خروجی توجه به خرد جمعی در میان مدت و در دراز مدت، تشویق نوآوری ها، همکاری و همدلی بین مردم، اتخاذ و اجرای سیاستگذاری های مساعد و نتیجتاً تشویق و تقویت نقش آفرینی بیشتر مردم در اداره امور در سطحی وسیع تر است.

«تام اتلی»⁸⁷ یکی از سخنگویان مردم سالاری نوین است. او دوباره کاری ها، موازی کاری ها، کم کاری ها، ندانم کاری ها و سوء مدیریت ها در تمامی سطوح، که مردم در تمامی کشورها از آن نالان اند، را حاکی از «جهالت جمعی» می داند. در اینجا «جهالت» به معنی بی خبری از آنچه دیگران می دانند و می خواهند است. اینگونه نارسایی های گسترده خود حاکی از این است که مردم سالاری به نوعی که تا کنون به آن عمل می شده است جوابگوی نیازهای فعلی نیست و می باید ارتباط ادراکی بهتری بین افراد، گروه ها، دستگاه های اجرایی و عوامل برنامه ریزی و سیاستگذاری در جامعه برقرار شود. برای تفهیم ضرورت و حکمت بهره گیری از خرد جمعی، اتلی ابتدا خرد را به اینصورت معنی می کند:

خرد واژه ای است که ما معمولاً برای توصیف توانایی فردی خود در یادگیری، حل مسایل، برنامه ریزی برای آینده، و درک جهان بیرونی و درونی خود به کار می بریم.

سپس می افزاید:

نظر من این است که این ظرفیت که ما به آن خرد می گوئیم، به افراد محدود نمی شود. وجود هر گروهی از انسان ها که در کنار هم کار می کنند، مثل سازمان ها، تیم های کاری و انجمن ها، حداقل تا اندازه ای، توانایی جمعی انسان ها در استفاده از خرد جمعی برای یادگیری، حل مسایل، برنامه ریزی برای آینده و درک شرایط در بیرون و درون گروه، را نشان می دهد. کما اینکه بدون بهره گیری از خرد جمعی، این گروه ها دوام نمی آوردند... پس با علم به وجود «خرد فردی» و «خرد جمعی» می توان انواع خرد جمعی را شناسایی کرد، مثل «خرد گروهی»، «خرد سازمانی»، «خرد محله»، «خرد جامعه ملی»، «خرد جامعه انسانی» و غیره.

⁸⁷ Tom Atlee

سپس، با نظر به موفقیتِ جوامع سالم در اقصی نقاط دنیا در فایق آمدن بر مسایل مرتبط با زیاده خواهی های نظام فعلی، استدلال می کند:

در میان آشنایان و اقوام هر یک از ما، فرد و یا افرادی می شناسیم که افکار، ایده ها و راه حل های مبتکرانه و قابل توجهی برای رفع مسایل اجتماعی و زیست محیطی دارند. اما می بینیم که این مسایل کماکان ادامه می یابند و غالباً وخیم تر هم می شوند. انسان های خردمند الزامی به تحمل مسایل [و تحمل شرایط دشوار] ندارند. تحت شرایط مساعد، که در بسیاری از نقاط دنیا با موفقیت به وجود آمده است، مردم عادی در جوامع کوچک و بزرگ نشان داده اند که با بهره گیری از خرد جمعی می توان به صورت گروهی در مورد مسایل اندیشید، راه حل های احتمالی را بررسی کرد و راهکارهای جمعی و موثر، و گاه حتی، بسیار هوشمندانه، را عملیاتی کرد. درک خرد جمعی به ما کمک می کند که آنچه در ابتدا ایده آل تفکر مردم سالاری بوده را محقق کنیم، یعنی مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت همگانی جامعه. آنچه کار ما را در این برهه از زمان آسان می کند، وجود تعداد بیشتری از ابزار و وسایل ارتباطی است که امروزه در امر گفتگو و تبادل نظر بین انسان ها به کار می آید... [مسلمان] در عصری که همه ما با بحران های عظیمی روبرویم، بهره گیری از خرد جمعی از ضرورت ویژه ای برخوردار است.⁸⁸

www.eabbassi.ir

تام اتلی، نویسنده سه کتاب پر تیراژ در مورد مردم سالاری و ترویج حکمت در جامعه⁸⁹ است. او همچنین با راه اندازی پایگاهی اینترنتی با نام «خرد جمعی»⁹⁰ محفلی برای تبادل نظر و تجربه بین علاقمندان این دیدگاه جامع تر به مردم سالاری در جهان به وجود آورده است.

ترویج فرهنگ مقاومت: سیاستگذاری، آموزش، اطلاع رسانی

سابقه تفکر پیرامون استفاده از فناوری های مناسب و حمایت از سیاست گذاری هایی که دست تولید کنندگان خرد و اقتصاد های محلی را در برابر قدرت های بزرگ تقویت می کند حداقل به نهضت استقلال هندوستان از استعمار انگلستان و شخصیت رهبر بزرگ هند «ماهاتما گاندی» در دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی باز می گردد. اما با ظهور جوامع سالم در نیمه دوم قرن بیستم و موفقیت چشمگیر این جوامع در قطع وابستگی و رفع آسیب پذیری های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی در برابر استبداد نوین، مقاومت و ترویج فرهنگ آن در سطح ملی و بین المللی، شکل سازمان یافته تری

⁸⁸ Atlee, A compact vision of co-intelligence.

⁸⁹ Atlee, 2003, 2009, 2012.

⁹⁰ www.co-intelligence.org

پیدا کرده است. در سه دهه اخیر، تعداد رو به رشدی از اتاق های فکر، مؤسسات آموزش عالی و پایگاه های اطلاعاتی مرتبط با فرهنگ مقاومت در جهان به وجود آمده است. مسلماً این نهادهای فرهنگی، فرآیند گذار از توسعه صنعتی وابسته به تجارت جهانی به اقتصاد مقاومتی را برای شهروندان، جوامع و دولت های علاقمند تسهیل کرده است. در اینجا به معرفی سه نمونه از این مؤسسات و فعالیت های آنها می پردازیم:

• بنیاد اقتصاد نو^{۹۱}

«سیاستگذاری» شامل قوانین، مقررات، استانداردها و اولویت در تخصیص اعتبارات در اداره امور کشورهاست. صرفنظر از فرآیند سیاستگذاری در هر کشور، سیاست های اتخاذ شده در هر جامعه طبعاً بر رفتار شهروندان آن جامعه اثرگذار است و دارای تبعاتی قابل پیش بینی و غیرقابل پیش بینی برای مصرف کنندگان، تولید کنندگان، منابع طبیعی و محیط زیست است. به لحاظ شباهت ساختارهای اقتصادی در کشورهای صنعتی امروز (موسوم به کشورهای «جی ۷»^{۹۲}) و در کشورهای در حال توسعه، می توان چنین استنباط کرد که بسیاری از سیاستگذاری ها در جهان برگرفته از فرآیندی تقلیدی یا حداقل عمیقاً متأثر از سیاستگذاری های غالب در این هفت کشور الگوگذار و قدرتمند جهان است. اما در سال ۱۹۸۶ گروهی از اقتصاددانان متعهد و نوآندیش جهان، همزمان با ملاقات سران «جی ۷» در لندن، در گردهمایی دیگری با عنوان «ملاقات سران از نوعی دیگر»^{۹۳} گرد هم آمدند تا با تدوین مجموعه ای از سیاستگذاری های جایگزین، جایگاه انحصاری این هفت قدرت که تصمیم گیری برای تمام جهان را حق خود می دانند را به چالش کشند. «بنیاد اقتصاد نو» به عنوان دبیرخانه این همایش تاسیس شد.

هدف این بنیاد متحول کردن تفکر اقتصادی جهانیان است، به نحوی که اقتصاد در خدمت مردم و کره زمین قرار گیرد. فعالان این بنیاد معتقدند که اقتصاد انگلستان و بسیاری دیگر از کشورهای صنعتی، ناپایدار، ظالمانه و بی ثبات است. اگر در گذشته از طریق تبلیغات و جعلیات، اقتصاد این کشورها برای جهانیان، پیشرفته و متری جلوه داده می شد، امروزه، با توجه به افزایش نارضایتی عمومی شهروندان در همین کشورها، کاهش امید ایشان به آینده و نیز تنزل فاحش سلامت جسمانی و روانی آنان، این مدعا به هیچوجه پذیرفتنی نیست. به اعتقاد اقتصاددانان این بنیاد، با توجه به پیامدهای

⁹¹ New Economics Foundation / NEF www.neweconomics.org

⁹² شامل آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، کانادا، آمریکا و ژاپن

⁹³ The Other Economic Summit / TOES

نامطلوب نظام اقتصادی کنونی، به ویژه تغییرات آب و هوایی و بحران مالی، که تمام جهان را تهدید می کند، تلاش برای نواندیشی و ابتکار عمل در حوزه سیاستگذاری های اقتصادی الزامی است.

در حال حاضر، بنیاد اقتصاد نو، پس از نزدیک به سه ده فعالیت مستمر، از معروف ترین و با نفوذترین اتاق های فکر مستقل در اروپاست. اعضای این بنیاد این درجه از تاثیرگذاری خود را مرهون رویکردی دقیق و هدفمندانه می دانند که در قالب سه فعالیت مشخص زیر متبلور شده است:

(۱) انجام پژوهش جامع با کیفیت بالا که علاوه بر عیب یابی در اقتصاد امروز نشان می دهد که با چه سیاستگذاری های جایگزینی می توان شرایط کنونی را بهبود بخشید.

(۲) نشان دادن قدرت اندیشه های نوین اقتصادی از طریق کاربرد موفقیت آمیز آنها در عمل.

(۳) همکاری با سازمان های دولتی در انگلستان و دیگر دولت ها در جهان به منظور ساختن نهضتی جهانی برای اقتصادی نو.

بنیاد اقتصاد نو سازمانی مردمی است که بدور از هر گونه وابستگی به احزاب سیاسی و دستگاه های دولتی تنها با حمایت نقدی و مشارکت های مردمی در انجام تحقیقات، به حیات خود ادامه داده است. ایده هایی چون «مالیات سبز»^{۹۴}، «رصد و تحلیل گردش پول در اقتصادهای محلی»^{۹۵}، «سرمایه گذاری اخلاقی»^{۹۶} و «ممیزی اجتماعی»^{۹۷}، از جمله مفاهیم جدیدی است که این سازمان به واژگان و اصطلاحات تخصصی مجامع سیاستگذاری در کشورها و سازمان های بین المللی وارد کرده است. ابداع شیوه های مبادله تجاری بدون استفاده از پول، ایجاد پول محلی^{۹۸} و تاسیس موسسات اعتباری محلی^{۹۹} از جمله نهادهای اجتماعی و اقتصادی ای است که با کوشش این سازمان، مجموعه متنوع تری از سیاستگذاری های اقتصادی در اروپا را به وجود آورده است.

بهره گیری از این سیاستگذاری های مساعد، کاهش تاثیر سیاست های پولی و بانکی مورد حمایت نهادهای مالی بین المللی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بر تورم و نرخ ارز در جوامع سالم و نتیجتاً رونق اقتصادی و افزایش توان اشتغالزایی در این جوامع را میسر ساخته است. تلاش جهانی برای نوآوری در معرفی شاخص های جدید پیشرفت، به عنوان جایگزینی معتبر و کارآمد برای

⁹⁴ green taxes

⁹⁵ local money flow analysis

⁹⁶ ethical investment

⁹⁷ social audit

⁹⁸ local currencies

⁹⁹ community development finance institutions

«تولید ناخالص داخلی»، نیز از سوی این سازمان کلید خورد که هم اکنون حتی «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»^{۱۰۰}، یعنی یکی از با سابقه ترین سازمان های همکاری های اقتصادی کشورهای صنعتی، نیز وادار به ارائه جایگزینی برای «تولید ناخالص داخلی» شده است. نمونه های بیشتر از سیاستگذاری های مساعد حامی نهادهای محلی و نیز سیاستگذاری های مساعد اقتصاد مقاومتی در سطح کلان ملی، نظیر آنچه این بنیاد ترویج می کند، در بخش «نتیجه گیری» همین مقاله آمده است.

• کالج شوماخر^{۱۰۱}

این موسسه آموزش عالی نام خود را از اسم اقتصاددان آلمانی تبار انگلیسی «ارنست فردریک شوماخر»^{۱۰۲} نویسنده کتاب معروف «کوچک زیباست»^{۱۰۳} می گیرد. این دانشگاه پیشرو، در ۲۵ سال اخیر، با تشویق جهانی توحیدی در تفکر توسعه کوشیده است نسلی جدید از اندیشمندان و فعالان اقتصادی و اجتماعی در اقصی نقاط جهان را تربیت کند. در فلسفه آموزشی این دانشگاه، نه تنها به ابعاد مختلف توسعه، یعنی اقتصاد، جامعه، فرهنگ، طبیعت و محیط زیست و علم و فناوری، به عنوان مجموعه ای یکپارچه نگریسته می شود، بلکه علاوه بر آموزش علم روز، بر اهمیت بهره گیری از شهود و اشراق برای دستیابی به خلاقیت در ایجاد راهکارهای نو و فناوری های مناسب نیز تاکید می گردد.

www.eabbassi.ir

¹⁰⁰ Organization for Economic Cooperation and Development / OECD

¹⁰¹ Schumacher College www.schumachercollege.org.uk/

¹⁰² نام ای اف شوماخر به واسطه انتشار کتاب «کوچک زیباست» شهرت جهانی یافته است. اما آنچه در مورد این نویسنده کمتر شناخته شده است ترکیبی از آشنایی عمیق نظری و عملی او با علم اقتصاد از یک سو، و اعتقادات عمیق فلسفی، دینی و اخلاقی او از سوی دیگر است. وی از همکاران اقتصاددان بزرگ انگلیسی «جان مینارد کینز» بود و معمار بازسازی اقتصادی آلمان جنگ زده نیز محسوب می شود. یکی از فصل های کتاب کوچک زیباست «اقتصاد بودایی» نام گرفته که حاکی از دگرگون شدن تفکر اقتصادی وی بعد از سفر به کشورهای آسیایی به ویژه برمه و آشنایی بیشتر او با جایگاه آموزه ها و ارزش های دینی و اخلاقی در زندگی روزمره مردم است. پس از این دگرگونی فکری، شوماخر به این باور رسید که اقتصاد کشور وقتی درست عمل می کند که شهروندان در همه جا، چه در جوامع کوچک و بزرگ و چه در شهر و روستا، بتوانند بدون وابستگی به دولت (برنامه ریزان مرکزی) یا اتکا به تعداد کمی از ثروتمندان (سرمایه داران بزرگ) عزتمندانه زندگی کنند. در معرفی این بخش وی تصریح می کند: «اقتصاد، علمی «استنتاجی» است. [یعنی] خروجی های این علم، بسته به اینکه چه دستوراتی به آن داده می شود، متفاوت است. من این دستورات را «مناقضات» نام نهاده ام. در فصل بعد بررسی خواهیم کرد که چگونه تشخیص ما نسبت به چیزهایی که «اقتصادی» و چیزهایی که «غیر اقتصادی» است تغییر می کند وقتی ما مناقضات ماتریالیستی غرب را رها می کنیم و به جای آن آموزه های دین بودا را جایگزین آن می کنیم. البته نامگذاری این بخش به «اقتصاد بودایی» نه به واسطه ویژگی خاصی در مورد این دین شرقی است، آموزه های مسیحیت، اسلام و یهودیت هم می تواند به همین سیاق مناقضات علم اقتصاد [یک کشور] قرار گیرد.»

¹⁰³ شوماخر، ۱۳۶۵؛ Schumacher, 2011

اساتید این دانشگاه را فعالانی از جمیع کشورهای جهان تشکیل می دهند که خود در مقام نوآوری و ایجاد تغییر و بهبود شرایط محلی تلاش کرده و موفقیت های چشمگیری به دست آورده اند.

در این دانشگاه، آموزش ها در قالب دروس متنوعی چون کلاس های فشرده کوتاه مدت، آموزش های فنی و حرفه ای، دوره های کامل کارشناسی ارشد برای دارندگان مدرک کارشناسی، و دوره های آموزشی محلی در دیگر نقاط دنیا ارائه می گردد. از جمله دستاوردهای دانش آموختگان و کارآموزان این دانشگاه، که برای نقش آفرینی در جوامع محلی و نتیجتاً تاثیر گذاری در سیاستگذاری ها آموزش دیده اند، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- زوج جوان انگلیسی موفق به تاسیس سازمانی شده اند که میوه های مراکز تره بار شهر را دوباره توزیع می کند. پیش از این، بسیاری از میوه ها که هنوز سالم و قابل استفاده بودند روانه زباله دانی شهر می شد.

- هنرجویی جوان از کشور کلمبیا که ناوایی محلی او مکانی برای آموزش مهارت پخت نان مرغوب به جوانان جویای کار برای تاسیس ناوایی های محلی در دیگر نقاط کشور شده است.

- جوانی از کشور میانمار که پس از مطالعه گیاهان دارویی کشور خود با کمک مردم محلی، اقدام به تاسیس بنیادی برای احیای استفاده از این منابع گیاهی در حفظ سلامتی جامعه خود کرده است.

- جوانی از شهر بریستول در جنوب غرب انگلستان، که پس از اتمام دوره در کالج شوماخر اقدام به ایجاد پولی محلی به نام «پوند بریستول» کرده است. این پول محلی، که از حمایت کامل بانک انگلستان برخوردار است نه تنها موجب رونق اقتصادی بی سابقه در این هشتمین شهر بزرگ انگلستان شده بلکه برای پرداخت برخی از مالیات های محلی نیز معتبر شناخته شده است.

• پایگاه اطلاعاتی «راهکارهای عملی»^{۱۰۴}

فناوری های مناسب به عنوان تکنولوژی غیر متمرکز، قابل دسترس و ارزان، نه تنها از نفوذ استبداد جهانی در سیاستگذاری ها و در عادات مصرفی مردم می کاهد بلکه فواید پیشرفت در علم و فناوری روز را به دور ترین نقاط، با کمترین هزینه و با مدیریت محلی، امکانپذیر می کند. استفاده از فناوری مناسب تنها به اقشار کمتر برخوردار اختصاص ندارد، اما ترویج این نوع فناوری در نهضت مقاومت، به تقویت عدالت اجتماعی در برخورداری اقشار وسیع تری از جامعه از پیشرفت های علمی کمک

¹⁰⁴ Practical Action www.practicalaction.org

کرده است. به این منظور پایگاه اطلاعاتی «راهکارهای عملی» تلاش خود را متوجه دسترسی جوامع محلی به فناوری هایی کرده است که انرژی برق، آب و غذای سالم و نیز مهارت های لازم برای مقاومت در برابر بلایای طبیعی را، در اختیار جوامع محلی قرار می دهد.

همانطور که در بالا نیز آمد، هم اکنون، با الگوبرداری از جوامع سالم، دسترسی به انرژی تجدیدپذیر برای جوامع محلی، حتی در دوردست ترین نقاط، بدون اتکا به شبکه سراسری امکانپذیر شده است. پایگاه اطلاعاتی «راهکارهای عملی» مهارت های لازم برای استفاده از فناوری مناسب تولید، ذخیره و توزیع انرژی در جوامع محلی را از طریق مشاوره، اطلاع رسانی و انتقال تکنولوژی ترویج می کند.

امروزه احداث شبکه های متمرکز فاضلاب با برنامه ریزی و سرمایه گذاری های کلان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مد روز شده است. اما به مرور، آگاهی عمومی و نخبگانی کشورها به مسایل مرتبط با این فناوری تحمیلی نظام سلطه، رو به گسترش است. شبکه های فاضلاب در شهر و روستا نه تنها به آلودگی های بصری، محیطی و غذایی افزوده است، بلکه موجب نیاز جوامع به مصرف انرژی بیشتر و استفاده از سموم شیمیایی برای مبارزه با جوندگان و ریشه درختان در مجاری شبکه شده است.^{۱۰۵} از سوی دیگر، مقادیر عظیمی از آب های سطحی شهر و روستا، از جمله آب پاکیزه از نزولات آسمانی، که در تماس با نجاسات (از واحد ها مسکونی)، آلودگی های شیمیایی (واحدهای صنعتی) و آلودگی های بیولوژیکی (بیمارستان ها) شبکه فاضلاب بیماری زا شده اند، سر از مزارع کشاورزی حومه شهر ها در می آورد و غذای مردم را می آلودند. لجن حاصله از این شبکه های آلوده و پرهزینه نیز که به غلط به عنوان کود کشاورزی تبلیغ می شود از جمله دلایل بروز انواع حساسیت ها در مناطق زراعی تشخیص داده شده است.^{۱۰۶} این در صورتی است که علم روز دستاوردهای مناسبی برای مدیریت و مصرف آب دارد که بی نیاز از هزینه های کلان و عاری از مسایل نامبرده است. تاسیسات استحصال و ذخیره سازی آب حاصله از بارندگی ها و احداث تالاب مصنوعی برای تصفیه انواع پساب های خانگی، صنعتی و بیولوژیکی، از جمله فناوری های مناسب برتر در مقایسه با شبکه های فاضلاب اند. این فناوری های مناسب، فارغ از ملاحظات، هزینه ها و محدودیت های برنامه ریزی

¹⁰⁵ این سموم شامل نام های زیر است:

برای مبارزه با موش zinc phosphide, warfarin, pival, fumarin, Sodium fluoracetate, fluoracetamide
bensulide, dichlobenil, dinoseb, endothall, metam-sodium, paraquat, trifluralin, 2, 4-D, 2, 4, 5-T, copper sulfate,
برای مبارزه با ریشه درختان Metam-Sodium, and chlorthiamid

¹⁰⁶ Snyder, 2005.

و سیاستگذاری متمرکز، به جوامع محلی توان بیشتری برای نقش آفرینی در مدیریت تامین و مصرف منابع آب محلی خود می دهد.¹⁰⁷

با توجه به حجم عظیمی از جعلیات علمی و آلودگی اطلاعاتی که بر سیاستگذاری های کشاورزی در غالب کشورهای سایه افکنده است، ضرورت ذخیره سازی و تکثیر بذرهای بومی و احیای روش های بومی کودوری و آبیاری مغفول مانده است. تبلیغات و آموزش های نادرست و گمراه کننده نهاد فراملیتی کشاورزی در مورد کارایی و میزان بازده در کشاورزی صنعتی موجب شده است که حتی در تلاش برای کاهش مصرف نهاده های شیمیایی (کود و سموم دفع آفات) و یا صرفه جویی در آب، مسئولین و کشاورزان به سوی استفاده از اقلام تجاری جدیدی مثل کودهای ریز مغذی، ابزار و ادوات آبیاری تحت فشار بارانی و روش های بیولوژیکی مبارزه با آفات هدایت شوند. در صورتی که خارج کردن بذرهای بومی و دانش بومی کاشت، داشت و برداشت از جوامع محلی، دلیل اصلی نیازمند شدن کشاورزان و کشورها به مصنوعات غیر ضرور صنایع بزرگ جهان است. از جمله فعالیت های اطلاع رسانی و ترویجی «راهکارهای عملی» در حوزه غذا و کشاورزی، ایجاد شبکه های محلی برای جمع آوری، تکثیر و ذخیره بذرها و دانش بومی کشاورزی است. اعضای این شبکه ها معمولاً در نمایشگاه های فصلی برای تبادل بذر و تجربه گرد هم می آیند. ترویج روش های مختلف استحصال آب باران و فناوری های مناسب آبیاری برای مدیریت برتر آب کشاورزی از دیگر مهارت هایی است که از طریق سایت و خدمات اطلاع رسانی این سازمان در دسترس علاقمندان به کشاورزی و غذای سالم قرار می گیرد.

رویکرد گردانندگان این پایگاه مبتنی بر ارائه فناوری هایی است که جوامع محلی را در بهره گیری از دانش بومی خود و در مدیریت و بهره گیری از دارایی های مشترکشان، به منظور دستیابی به راهکارهای عملی، مؤثر و پایدار، یاری می دهد. همزمان، سیاستگذاری های پیشنهادی این پایگاه نیز می کوشد که نه تنها زمینه مدیریتی در سطح کلان ملی برای پذیرش فناوری های مناسب و غیر متمرکز را مساعد سازد، بلکه ملاحظات مرتبط با مقاومت در برابر بلایای طبیعی و آسیب پذیری در برابر سیاست های اقتصاد جهانی را به عنوان مباحث کلیدی در جمیع سیاستگذاری ها مطرح کند.

¹⁰⁷ اطلاعات بیشتر در مورد «مسئله فاضلاب» و فناوری های مناسب جایگزین، با ذکر منابع پژوهشی و مصادیق در جوامع شهری و روستایی در جوامع امروز جهان در صفحه زیر آمده است: www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_water.htm

نتیجه گیری

کلیدی ترین نتیجه گیری از مجموعه نکاتی که در بالا آمد، درک قدرت «مقیاس» و «اندازه» در توسعه جوامع است. بی شک، درک این نکته از سوی اربابان سرمایه، از مهم ترین عوامل عبور جهان از استعمار سرزمینی به استبداد جهانی بوده است. طی قرون، تا گذشته ای نه چندان دور، مردم در جوامع کهن مدیریت مشارکتی منابع محلی خود را در دست داشتند و با بهره گیری مشارکتی از ذخایر ژنتیکی (بذر و دام بومی) و میراث دانشی سرزمین خود در کشاورزی، ساخت و ساز، طب، تغذیه و آموزش، به صورت خودکفا و خود اتکا به زندگی خود ادامه می دادند. مشارکت جمعی مردم در مدیریت منابع محلی، در روستاها و شهرهای کوچک، مقاوم ترین سدّ در برابر نفوذ و سلطه کامل قدرت های بیگانه محسوب می شد. و از این رو برای تضعیف و نفوذپذیر کردن حکومت های دموکراتیکی که از نیمه قرن بیستم به این سو در این جوامع شکل گرفتند، قدرت های سلطه جو سیاست هایی را در جهان اشاعه داده اند که اتکای این حکومت های نوپا را از قدرت و قوام مبتنی بر مدیریت محلی منابع به تدریج به سوی اتکا به برنامه ریزی و مدیریت متمرکز از بالا به پایین و وابستگی بیشتر به نظام اقتصاد جهانی تغییر داده است. و اتفاقی نیز نیست که در همین مدت، به موازات گسترش این سیاست ها، جهان شاهد زوال و از هم پاشیدن جوامع محلی و تضعیف مشارکت جمعی مردم در مدیریت منابع سرزمین خود بوده است.

از سوی دیگر، در چند دهه اخیر شاهد بوده ایم که درک قدرت اندازه شناسی همچین گروهی از نوآوران فعالان توسعه در اقصی نقاط دنیا را قادر به معکوس کردن روند سلطه و قطع وابستگی در جوامع خود کرده است. بنیانگذاران و فعالان جوامع سالم جهان با احیای طراحی و مدیریت توسعه در مقیاس محلی، زمینه اجتماعی برای کاربست مهارت های اجتماعی، مدیریت مشارکتی منابع، بهره گیری از فناوری های مناسب و سیاستگذاری های مساعد را فراهم کرده اند. با ثروت، سلامت و تاثیر عظیمی که این جوامع با قطع وابستگی خود از نظام اقتصاد جهانی به دست آورده اند، جایگاه اندازه شناسی در مباحث توسعه برای مردم و سیاستگذاران کشورها، بیش از پیش آشکار شده است.

برملا شدن ماهیت استیلای ذهنی شرکت های چند ملیتی، که با تسلط رسانه ای و نفوذ دانشگاهی، افکار عمومی و نخبگانی، و نتیجتا، سیاستگذاری در حکومت های مردم سالار را در راستای سیاست های مطلوب خود همسو کرده است و همزمان، پیروزی نقش آفرینی مردم در جوامع سالم جهان در قطع وابستگی و مقاومت در برابر این استعمار جدید، برداشتی جامع تر و حکیمانه تر از مردم سالاری

را به وجود آورده است. در این رویکرد جدید، مردم سالاری به شرکت در انتخابات و یا پافشاری بر آزادی مطبوعات و تظاهرات برای انتقاد از این یا آن سیاستمدار محدود نمی شود، بلکه ضرورتاً تعامل و گفتگو بین افراد در تمامی سطوح، خانواده، محله، روستا، محل کار، استان، کشور و جهان، برای رسیدن به «خرد جمعی» و اتخاذ تصمیمات برتر را نیز در بر می گیرد. مسلماً در چنین بستری از مردم سالاری جامع و حکیمانه است که همدلی و همزبانی بین مردم و دولت، فرصت تحقق پیدا می کند.

ظهور جوامع سالم جهان بُعد دیگری از مردم سالاری مقاومتی را نیز متبلور کرده است و آن تقویت مسئولیت پذیری آحاد مردم در شیوه استفاده و محافظت از منابع مشترک سرزمین خود است. وقتی مردم معاش، سلامتی و ایمنی امروز و فردای خود را در فرصت بهره گیری مشارکتی و عادلانه محلی از دارایی های پیرامونی خود می بینند، علاوه بر حقوق و آزادی های شهروندی، به مسئولیت فردی خویش در رعایت حقوق دیگران نیز اشراف می یابند. با افزایش تعامل، تعاون، گفتگو و مشورت بین مردم در تمامی سطوح از یک سو، و تقویت مسئولیت پذیری شهروندان در قبال یکدیگر در استفاده و محافظت جمعی از منابع مشترک از سوی دیگر، راه بر فرهنگ فردگرایی، زیاده خواهی، رقابت، افراط، اسراف و تفاخر که اساس فریب و استیلاي ذهنی استعمار در فردی ترین سطح آن است، بسته می شود.

www.eabbassi.ir

در کشور ما ایران، به منظور کاهش آسیب پذیری اقتصادی و سیاسی در برابر بحران های اقتصاد جهانی و تحریم های کشورهای غربی و همچنین حفظ دستاوردهای دولت و ملت در سال های انقلاب، تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی یکی از اولویت های بالای نظام جمهوری اسلامی اعلام شده است. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، که در بهمن ۱۳۹۲ ابلاغ شد، چارچوب کلی این حرکت عظیم برای تحقق چنین حماسه ای اقتصادی در تاریخ کشور را تبیین کرده است.^{۱۰۸}

تلاش ملی ایرانیان در این راستا، اگر چه دیرتر از جاهای دیگر آغاز شده است، اما دارای امتیازاتی بر تلاش های دیگر کشورهاست: یک امتیاز اینکه، نقش آفرینی مردم در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی در دیگر کشورها همیشه از حمایت مدیران و مسئولان برخوردار نبوده و لذا تلاشی پر فراز و نشیب در اطلاع رسانی و بروز رسانی مسئولین را می طلبد است. به عبارت دیگر سال ها طول کشیده است تا سیاستگذاران ضرورت نقش آفرینی مردم و اهمیت اندازه شناسی در توسعه را درک کرده و به مساعدت با این نیروهای مردمی گردن نهاده اند. در ایران، نظر به اولویت بالایی که از سوی

¹⁰⁸ ایسنا، ۱۳۹۲.

نظام به این حرکت داده شده است، همکاری و همفکری بین فعالان و نقش آفرینان در اقتصادهای محلی از یک سو و برنامه ریزان، سیاستگذاران و مدیران اجرایی دولت از سوی دیگر می تواند از روندی آسان تر، سریع تر و پرمتر برخوردار باشد.

و دومین امتیاز اینکه، با گذشت چند دهه از تلاش های مردمی و همکاری سیاستگذاران در دیگر کشورها در راستای اقتصاد مقاومتی، آموخته ها و تجارب قابل توجهی، از لحاظ نظری و عملی، برای پرهیز از خطا و دوباره کاری برای ما ایرانیان فراهم آمده است. این پیشینه علمی و تجربی، ضمن کمک به بهره گیری نافع تر از سیاست های کلی ابلاغ شده، به برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور در تبیین سیاست های مشخص در حوزه های گوناگون کمک می کند. از سوی دیگر، نمونه های کثیر از نقش آفرینی مردم در مدیریت منابع محلی در این کشورها، استعداد عظیم «اندازه شناسی» را برای جهانیان از جمله ما ایرانیان متجلی ساخته و طلسم استیلای ذهنی پیشرفت وابسته به تجارت جهانی را عملاً در هم شکسته است. در اینجا به طور خلاصه به چندی از این آموخته ها و تجارب اشاره می کنیم:

▪ کشف مفروضات نادرست در رشته اقتصاد

تلاش پژوهشگران و اقتصاددانان مستقل در سازمان های مردمی چون «بنیاد اقتصاد نو» (بالا)، «مرکز پیشبرد اقتصاد با ثبات»^{۱۰۹} و «کار گروه اقتصاد نوین»^{۱۱۰} پرده از نادرستی و ماهیت فریبکارانه بسیاری از مفروضات رشته اقتصاد برداشته اند. اعضای این انجمن های علمی مردمی، شامل اقتصاددانانی صاحبنام با سابقه تدریس و کار در دانشگاه ها و مراکز و نهادهای تصمیم گیری نظام توسعه غربی اند که پس از آگاهی از پیامدهای ضد انسانی سیاست های اقتصادی قدرت های بزرگ، به افشاگری و تدوین راهکارها و سیاست های جایگزین در حوزه اقتصاد پرداخته اند. نظرات منتشر شده توسط این سازمان ها حاکی است که تلاش برای مقاومت در برابر نظام سلطه، ضمن نقش آفرینی مردم در عرصه کار، همچنین مستلزم هوشیاری فوق العاده از سوی نخبگان رشته اقتصاد و برنامه ریزان و سیاستگذاران است. مستنداتی به قلم این اندیشمندان در مورد جعلی بودن مفروضاتی چون «رشد»، «تجارت آزاد»، «تولید ناخالص داخلی» و «مزیت نسبی» که به زبان فارسی ترجمه شده است را در پاورقی ۳۷ همین نوشته آورده ایم.

¹⁰⁹ Center for the Advancement of Steady State Economics <http://steadystate.org>

¹¹⁰ New Economics Working Group <http://neweconomyworkinggroup.org/>

▪ ضرورت بازنگری کلی در سیاست های اقتصادی

بی شک، اقتصاد وابسته مورد حمایت اقتصاد جهانی با اقتصاد مقاومتی که نظر به مصون سازی اقتصاد جوامع در برابر آسیب های نظام سلطه دارد با هم تفاوت های بنیادین دارند. لذا عبور از اقتصاد وابسته امروز و رسیدن به اقتصاد مقاومتی، مستلزم نواندیشی، ابتکار و اصلاح در سیاست های اقتصادی متداول است. سیاست های مساعد برای حمایت از اقتصاد مقاومتی را می توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد: ۱) سیاستگذاری های خاص که با هدف تشویق فعالان محلی و تسهیل کار نهادهای محلی به منظور جلب نقش آفرینی بیشتر مردم در محیط های روستایی و محله های شهری تدوین می شوند، و ۲) سیاستگذاری های کلی و عام که در سطح ملی توجه بهره برداران را به سوی فعالیت هایی سوق می دهد که در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی است و نه در راستای تامین نیازهای تجارت جهانی و تعمیق وابستگی و آسیب پذیری بیشتر جامعه. برای مثال در اینجا چند نمونه از هر دو دسته از سیاستگذاری های مساعد اقتصاد مقاومتی که تا کنون پیشنهاد و در دیگر کشورها عملیاتی شده است را می آوریم:

از جمله سیاستگذاری های مناسب نوع اول می توان به قوانین و مقرراتی اشاره کرد که تاسیس و نگهداری از نهادهای نقش آفرین زیر، «زمین آمانی محلی»، «بانکداری محلی» و «کسب و کارهای اجتماعی»، را امکانپذیر کرده است:

• «اراضی آمانی محلی»^{۱۱۱}

در شرایط تورمی اقتصاد، صاحبان سرمایه، برای حفظ ارزش پول خود، خریداری زمین و املاک را مطمئن ترین روش سرمایه گذاری می یابند و با این کار موجب افزایش قیمت زمین و مسکن می شوند. از سوی دیگر، وقتی جایی آباد و زیبا می شود، اراضی آن در قیمت ترقی می کند و لذا به تدریج زمین تغییر کاربری می یابد. تبدیل اراضی زراعی و باغی روستاهای خوش آب و هوا به خانه های ویلاقی، یک نمونه از این تغییر کاربری است. بورس بازی با زمین و املاک در شهرها، موجب ساخت و ساز جدید، گران شدن مسکن و به حاشیه رانده شدن و یا بی خانمانی بسیاری از ساکنین قدیمی می شود. از لحاظ اجتماعی نیز، این پدیده غالباً انگیزه اهالی محل برای بهبود عمرانی و اقتصادی محل زندگی خود را تضعیف و از میزان نقش آفرینی ایشان می کاهد. در روستاها نیز، تغییر کاربری اراضی موجب گران شدن بیش از حد زمین برای فعالیت های کشاورزی و گران شدن مسکن و نهایتاً موجب مهاجرت زوج های جوان از روستا به شهر در پی فرصت های شغلی پر درآمد تر و

¹¹¹ community land trust

مسکن مناسب تر می گردد. با خروج نیروی جوان و امیدوار از روستاها و محله های شهری، اقتصادهای محلی این عامل اصلی شکوفایی و رونق اقتصادی را از دست می دهند. لذا در جوامع سالم، پیشگیری از بورس بازی زمین و اماکن در شهر و روستا را امری مطلقاً ضروری می دانند. به این منظور در این جوامع، نهادی به نام «اراضی امانی محلی» در خدمت نقش آفرینان و فعالان محلی قرار گرفته است.

زمین هایی که از طریق این نهاد در اختیار بهره برداران قرار می گیرد در واقع از طریق یک شرکت غیر انتفاعی^{۱۱۲} اداره می شود. در شهرها، این شرکت ها با اهدافی چون تامین مسکن با قیمت مناسب، توسعه فضای سبز، احداث اماکن عمومی و تاسیس مزارع شهری^{۱۱۳} فعالیت می کنند.^{۱۱۴} در اراضی امانی، مالکیت زمین از مالکیت واحدهای مسکونی و دیگر سازه های واقع در آن از هم تفکیک می شود. مثلاً وقتی واحدهای مسکونی به طالبین مسکن ارزاقیمت فروخته می شود، زمینی که واحدها در آن واقع اند به صورت استیجاری درازمدت با اجاره بهای اندک در اختیار آنان قرار می گیرد. با امضای اجاره نامه زمین، مالکین متعهد می شوند که در صورت تصمیم به فروش مسکن خود - چه آنهایی که از قبل وجود داشته و چه آنهایی که ایشان پس از اجاره زمین در آن بنا کرده اند - را به شرکت، و نه کس دیگر، واگذار کنند. قیمت واحد مسکونی در زمان واگذاری به شرکت طبق فرمولی که در اجاره نامه قید شده محاسبه می گردد. این فرمول به نحوی تنظیم می شود که قیمت سازه ها همواره زیر قیمت بازار و مناسب برای فروش به خریدار بعدی است. بدین ترتیب مالکین خانه هایی که در اراضی امانی ساخته می شوند انگیزه بیشتری برای ماندگاری درازمدت و فعالیت بیشتر برای آبادان سازی محیط و محله خود پیدا می کنند. همچنین، قیمت مناسب مسکن موجب می شود که افراد علاقمند بیشتری برای زندگی و فعالیت به محله هایی که از مزایای نهاد اراضی امانی برخوردارند جذب شوند.^{۱۱۵}

¹¹² non-profit corporation

¹¹³ مزارع شهری از پدیده های رو به رشد در جوامع غربی است چون مردم دریافته اند که محصولات که از این مزارع غیر شیمیایی به دست می آید سالم تر و تازه تر است و انرژی کمتری برای حمل و نقل آنها به بازار، مصرف می شود. اطلاعات بیشتر در مورد یک نمونه از این مزارع در صفحه زیر آمده است.

www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_energy_edu_foodforall.htm

¹¹⁴ نوع دیگری از این نهاد وجود دارد که بیشتر به منظور حفاظت از منابع طبیعی، زیستگاه های وحش، احیا و بازسازی ابنیه تاریخی و نظایر اینها تاسیس می شود تا این امور نیز به دست مردم سپرده شود.

¹¹⁵ یکی از با سابقه ترین شرکت های محلی اراضی امانی در شهر بوستون در آمریکا است که «خیابان دادلی» نام دارد. اطلاعات بیشتر در مورد دستاوردها و فعالیت های کنونی این شرکت محلی در وب سایت زیر قابل مطالعه است.

<https://translate.google.com/translate?hl=en&sl=en&tl=fa&u=http%3A%2F%2Fwww.dsni.org%2F>

در روستاها، نیز اراضیِ امانی با توافقی که شامل شروط زیر است به صورت استیجاری و برای درازمدت در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. به محض مشاهده نقض هر یک از شروط از سوی بهره‌بردار، اجاره نامه خود به خود لغو و زمین در اختیار متقاضیانِ دیگر قرار می‌گیرد:

- بناهای موجود در زمین می‌باید توسط خود بهره‌بردار مورد استفاده قرار گیرد و قابل اجاره به دیگری، مثل گردشگران و ویلاق‌نشینان، نیست.

- زمین زراعی می‌باید فقط برای تولید محصولات کشاورزی استفاده شود. میزان تولید می‌باید در سطحی باشد که بیش از مصرف یک خانوار و به منظور عرضه در بازار محلی باشد. (معمولا اجاره نامه‌ها نوع محصول را مشخص نمی‌کنند).

- در صورت تصمیم به ترک روستا، بهره‌بردار ملزم به واگذاری کلیه سازه‌های واقع در زمین (چه بناهای قدیمی‌تر و چه بناهایی که خود ساخته است) به شرکت است. قیمت بر اساس هزینه ساخت و ساز به نرخ روز محاسبه می‌شود تا برای متقاضی بعدی مناسب باشد. استهلاک از قیمت سازه‌های قدیمی کسر می‌گردد.

- بهره‌بردار ملزم به استفاده از کشاورزی ارگانیک (کشت و زرع و پرورش دام و طیور بدون استفاده از نهاده‌های شیمیایی) است. همچنین، شیوه و نوع بهره‌برداری از زمین نباید به گونه‌ای باشد که بر سلامت طبیعت و جامعه پیرامونی تاثیر نامطلوب داشته باشد.

بهره‌برداران اراضی امانی در روستاها انگیزه بیشتری برای حفظ حاصلخیزی خاک و آبادانی منطقه در درازمدت پیدا می‌کنند. همچنین، اجاره‌بهای اندک، فعالیت‌های کشاورزی آنان را از نظر اقتصادی سودآورتر و نتیجتاً پایبندی ایشان به حفظ شروط بالا را تقویت می‌کند. مهیا بودن اراضی امانی محلی با اجاره‌بهای نازل از بالا رفتن شدید قیمت اراضی در واکنش به خرید و فروش املاک در بازار نیز جلوگیری می‌کند.

° بانکداری محلی

به لحاظ آسیب‌هایی که از سوی نظام اقتصاد جهانی متوجه جوامع محلی است، روستاها و شهرهای کوچک را به «سطل سوراخ» تشبیه کرده‌اند.^{۱۱۶} در غالب شهرهای کوچک و روستاهای امروز جهان، صرفنظر از میزان فعالیت‌های اقتصادی و ثروت اهالی، جریان پول غالباً به سوی بیرون است. این

^{۱۱۶} عباسی، ۱۳۹۳.ب.

جریان برون- سو موجب می شود که از ماندگاری و گردش پول در اقتصاد این سکونتگاه ها کاسته شود. و بدون گردش کافی پول در یک اقتصاد، نمی توان انتظار ایجاد شغل، افزایش درآمد، افزایش اوقات فراغت و دیگر برکات رونق و سلامت اقتصادی را داشت. لذا توجه به جریان غالب در حرکت پول در جوامعی که نظر به مقاومت در برابر آسیب های مرتبط با تجارت جهانی دارند ضروری است.

در این خصوص، از جمله نهادهای مالی و پولی که نیازمند به بازنگری است، نهاد بانک است. سیاستگذاری های مساعد در برخی از کشورها زمینه مردمی شدن بانکداری از طریق تاسیس بانک های محلی مثل «اتحادیه های اعتباری»^{۱۱۷} را فراهم کرده است. برخلاف بانک های عادی که از «بانکداری ذخیره کسری»^{۱۱۸} استفاده می کنند، که موجب تورم (یعنی کم ارزش شدن پول و گرانی کالاها در کل اقتصاد یک کشور) می شود، این بانک های محلی، سپرده های مردم را از طریق وام های محلی در اختیار اهالی قرار می دهند تا بدون ایجاد تورم و بدون احتمال سرمایه گذاری نقدینگی محلی در دیگر نقاط کشور، پول اهالی در کار عمران و رونق اقتصادی جامعه محلی سرمایه گذاری شود. ساختار اتحادیه ای این بانک های محلی این موسسات مالی و اعتباری کوچک را عضوی از یک شبکه گسترده ملی می کند که قادر است کلیه خدمات یک بانک بزرگ با شعبه های متعدد را به مشتریان محلی خود ارائه دهد. آشنایی نزدیک مدیران این اتحادیه ها با تولیدکنندگان و تجار محلی به اعطای وام های آسان تر و کم ریسک تر کمک می کند که خود مشوق رونق اقتصاد محلی است.^{۱۱۹}

• کسب و کارهای اجتماعی

در بالا به ساختارهای قانونی جدید با نام هایی چون «شرکت منافع محلی» و «شرکت با مسئولیت محدود و سود کم» اشاره شد. این نوع شرکت ها در واکنش به گسترش بی سابقه نوعی کسب و کار جدید به نام «کسب و کار اجتماعی»^{۱۲۰} تعریف و اجرایی شده اند. کسب و کار اجتماعی به نوعی فعالیت تجاری می گویند که درآمد و موفقیت خود را فقط به ریال و دلار و یورو نمی سنجد، بلکه علاوه بر سود صاحبان آن به منفعی که به محیط زیست، جامعه و فرهنگ می رساند - که در اصطلاح به آن «سرمایه اجتماعی»^{۱۲۱} می گویند - نیز نظر دارد. عملکرد این کسب و کارها شباهت زیادی به عملکرد انجمن های خیریه دارد، اما به واسطه ترکیبی از سود و منافع اجتماعی که صاحبان این بنگاه

¹¹⁷ credit union

¹¹⁸ میک لی و دیگران، ۲۰۱۴؛ روباتام، ۱۹۹۸.

¹¹⁹ پریگ و گرینهام، ۲۰۱۲.

¹²⁰ social enterprise

¹²¹ social capital

ها همزمان به دنبال آن هستند، «کسب و کار اجتماعی» خوانده می شوند. ایجاد مراکز توانبخشی برای معلولین، خانه سالمندان و دارالایتام، مراکز حمایت از کارآفرینان در مناطق کم درآمد در شهر و روستا، شرکت های تولید برق محلی، شرکت های تولید نهال درختان مثمر و ترویج درختکاری در شهرها، مراکز گردآوری و بازیافت زباله، شرکت های خانه سازی برای اقشار کم درآمد، مزارع شهری برای تولید محلی غذا و اشتغالزایی برای بی خانمانان، مراکز ارائه خدمات بهداشتی و اطلاع رسانی برای پیشگیری از امراض و مراکز کاریابی و آموزش و کارآفرینی برای معلولین، از جمله زمینه های متنوع و ابتکاری فعالیت های درآمد زا از نظر اقتصادی و نافع برای بهبود کیفی زندگی در جوامع محلی جهان اند. گسترش سریع این کسب و کارهای اجتماعی در جهان نشان می دهد که توجه همزمان به سود آوری کسب و منافع جامعه، راهبردی هوشمندانه و مؤثر برای کارآفرینان مقاومت-اندیش عصر ماست.^{۱۲۲}

اراضی امانی محلی، بانکداری محلی و کسب و کارهای اجتماعی سه نمونه از ابتکارات محلی است که توسط نقش آفرینان محلی طراحی و با حمایت سیاستگذاری های مساعد نهادینه شده است. این نهادهای خودجوش، که به تلاش مردم در مقاوم سازی جوامع خود ابعاد وسیع تری بخشیده است، نمادهایی روشن از تاثیر خرد جمعی حاصله از همبستگی و همزیستی مردم با مسئولین به وجود آورده است.

علاوه بر این نوع سیاستگذاری مقاومتی، نوعی دیگر از سیاستگذاری های مساعد قابل ذکر است که در دراز مدت و در سطح ملی، به انگیزه و دانش عمومی برای تلاش و انتخاب مؤثر در راستای قوام بخشیدن به اقتصاد ملی می افزاید. این نوع سیاستگذاری های کلی همچنین برای روزآمد نگاه داشتن ذخیره علمی برنامه ریزان و سیاستگذاران و دیگر منتخبین مردم و نیز دانشگاهیان در مصون سازی کشور در برابر آسیب های ناشی از جعلیات علمی و آلودگی اطلاعاتی قابل توجه است. تشویق فعالان اقتصادی به پرهیز از زیاده خواهی های کوتاه بینانه در تامین بازار صادرات و کسب و کارهای آلاینده و به جای آن تلاش در حوزه تامین نیازهای داخلی کشور با محصولات سالم و با دوام نیز می تواند از جمله اهداف این سیاستگذاری های کلی قرار گیرد. در اینجا، فهرست وار، به معرفی چند نمونه می پردازیم:^{۱۲۳}

¹²² Social Enterprise UK, 2011

برای بحث مفصل تری در مورد «کسب و کارهای اجتماعی» و چگونگی طراحی آنها، بنگرید به: عباسی، ۱۳۹۵.

¹²³ لیست کامل تری از این سیاستگذاری ها در سندی از سوی «بنیاد اقتصاد نو» با عنوان «عبور بزرگ به اقتصاد نو» با ذکر

- تامین درآمدهای مالیاتی دولت از محل مالیات بر ارث و بر استخراج مواد کانی
- اخذ عوارض از فعالیت های آلاینده خاک، آب و هوا متناسب با میزان آلاینده‌گی تولیدکننده به منظور واقعی کردن قیمت نهایی کالاها، سالم سازی تولیدات و حفاظت از منابع مشترک کشور
- کاهش مالیات بر درآمد برای طبقات پایین و متوسط جامعه
- کنار گذاشتن «جی دی پی» (تولید ناخالص داخلی) به عنوان شاخصی برای سنجش پیشرفت کشور و تدوین شاخصی اصیل برای جایگزینی «جی دی پی» که با ارزش های فرهنگی جامعه مطابقت بیشتری دارد.^{۱۲۴}
- تنظیم مقررات ناظر بر تبلیغات با هدف تشویق تولید محصولات سالم، جلوگیری از انتشار جعلیات علمی و حذف تبلیغات نامحسوس.^{۱۲۵}
- رعایت تنوع و عدالت در سیاستگذاری ها، به صورتی که تسهیل کار واحدهای بزرگ صنعتی راه را فعالیت های واحدهای خرد محلی نبندد.
- آموزش های اجباری ضمن خدمت برای روزآمد نگه داشتن علمی برنامه ریزان، سیاستگذاران و مدیران با تاکید ویژه بر موارد جعل علمی و آلودگی اطلاعاتی.
- ممیزی علمی در دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی برای روزآمد نگه داشتن ذخایر علمی هیئت های علمی با توجه ویژه به موارد جعل علمی و آلودگی اطلاعاتی.

ذکر جزئیات منتشر شده است. Spratt, et al., 2010

¹²⁴ در برخی از کشورها این فرآیند از چندی پیش آغاز شده است. مثلا در کشور بوتان که دارای حکومتی دینی است، شاخص پیشرفت کشور با عنوان «شادی کلان ملی» بر اساس ارزشهای آیین بودا تدوین و مورد استفاده قرار گرفته است. عباسی، ۱۳۹۳ الف

¹²⁵ تبلیغات نامحسوس شامل بسیاری از گزارشات خبری و فیلم های مستند است که تاثیر تبلیغاتی دارند بدون اینکه «آگهی تبلیغاتی» خوانده شوند. مثلا گزارشات خبری از وضعیت جاده ها در تعطیلات عمومی، مستند مسابقات اتومبیلرانی و حتی گزارشات انتقادی از نوسانات قیمت خودرو و واردات اتومبیل های خارجی که در آن این کالاها را در بندرها در حال تخلیه نشان می دهند، جملگی، غفلتا یا عامدا، «عادی بودن» و «عمومیت داشتن» نوع خاصی از رفتار را القا می کنند. «عادی نمایی» رفتار مصرف کنندگان از جمله فنون شناخته شده در صنعت تبلیغات است. تفاوت بین تبلیغات محسوس و تبلیغات نامحسوس این است که در تبلیغات محسوس دریافت کننده پیام می داند که بیننده یا شنونده یک پیام تبلیغاتی است، اما در تبلیغات نامحسوس، دریافت کننده پیام احتمالا اطلاعات تبلیغاتی را بدون هیچ تحلیل یا مقاومت آگاهانه به عنوان واقعیت می پذیرد. مطالعه متون زیر برای درک تاثیر پذیری مخاطبین نسبت به «عادی نمایی» رفتارها در پیام ها - چه این عادی نمایی غفلتا یا عامدا انجام گیرد- سودمند است. Schultz, et al., 2008; Goldstein and Cialdini, 2007

▪ تکامل در جوامع انسانی در گرو جهانی‌توحیدی است

فرهنگ استبداد جهانی مشوق فردگرایی است. این فرهنگ با تشویق رقابت و زیاده خواهی در بین مردم و در میان کشورها چنین القا می کند که اگر فردی یا کشوری دستیابی به موفقیت را در عقب گذاشتن دیگران نبیند، دیگران از او سبقت خواهند گرفت و او عقب می ماند. برعکس، نهضت مقاومت، به جای فردگرایی، رقابت و کثرت اندیشی، از جهانی‌توحیدی بهره مند است. فعالان مقاومت، ریشه آسیب پذیری و نقطه ضعف افراد و جوامع در برابر استیلای ذهنی استبداد جهانی را تمایل نفسانی بشر به زیاده خواهی و خودبینی می بینند. جهانی‌توحیدی فردگرا و رقابتی استبداد جهانی، با اهدافی وهمی و گنگ چون «رشد» به انواع تنش ها در جمیع سطوح - از خانواده گرفته تا عرصه بین المللی - و به فرسایش منابع طبیعی و تخریب محیط زیست دامن می زند، اما جهانی‌توحیدی فعالان مقاومت، شاخص ها و معیارهای مرتبط با «تکامل همه جانبه» را بر تلاش صرفا اقتصادی جوامع برای بهبود شاخص های «رشد» ارجح می دانند. از این منظر توحیدی، تکامل و شکوفایی طبیعت، اقتصاد، جامعه، علم، فناوری و هنر در یک ملت، همگی تجلیاتی به هم مرتبط و یگانه از یک جریان واحد تاریخی است. و لذا برای این فعالان، این انتظار که فقط با رونق اقتصادی می توان زمینه تکامل جوامع بشری را فراهم کرد معقول نیست.

www.eabbassi.ir

جهانی‌توحیدی نقش آفرینان توسعه همه جانبه محلی تقابل جنبه های مختلف توسعه را تصویری نادرست می داند. فرهنگ رقابتی و زیاده خواه استبداد جهانی، به جهانیان چنین القا می کند که برای پیشرفت اقتصادی گاه باید طبیعت و محیط زیست را فدا کرد. و یا اینکه، دستیابی به پیشرفت در علم و تکنولوژی، به هر حال، آسیب های اجتماعی و فرهنگی اجتناب ناپذیری را به همراه خواهد داشت که آن هم بهای رشد و ترقی جوامع است و باید آن را پذیرفت. اما پیروی از جهانی‌توحیدی در طراحی جوامع سالم عملا نشان داده است که می توان همزمان، اقتصادی موفق و مقاوم؛ فرهنگی پویا، با نشاط و جویای کمال؛ جامعه ای سالم، زیبا، عادلانه و صمیمی؛ علم و فناوری خلاق، توانا و کارآمد؛ و طبیعتی شکوفا و پایدار داشت. و میزان تبلور این دستاوردها در کنار هم (و نه در تقابل با یکدیگر)، خود شاخصی گویا برای سنجش تکامل همه جانبه یک جامعه در سیر تاریخی خود است.^{۱۲۶}

¹²⁶ چگونگی ظهور جهانی‌توحیدی و معنویت در میان دانشمندان معاصر در جوامع غربی و فعالان توسعه در جوامع سالم جهان در مقاله ای جداگانه بررسی شده است. در آن مقاله می خوانید که چگونه جهانی‌توحیدی نگرش این دانشمندان و فعالان نسبت به علم و معرفت و دستیابی به خلاقیت برای حل مسایل امروز را دگرگون کرده است. عباسی، ۱۳۹۴ الف

در عصری که تبعیض، تکفیر و تحقیر، آرامش را از بسیاری از جوامع سلب و توجه به تعقل و ارزش های اخلاقی را کمرنگ کرده است، چه بسا امیدبخش ترین ثمرهٔ جهانی‌نی توحیدی نهضت مقاومت، در عرصه فرهنگ اجتماعی ظهور کرده است. فعالان جبههٔ مقاومت، ضمن پافشاری بر اعتقاد خود به یگانگی و اتحاد نوع بشر، احترام به تنوع فرهنگی، نژادی، قومی و مذهبی، به نحوی که مردم با پیشینه های کاملاً متفاوت بتوانند در کنار هم با صلح و تفاهم و صمیمیت زندگی کنند را از معیارهای سنجش تکامل اجتماعی یک جامعه می دانند و در راستای تحقق این ایده آل در جوامع سالم خود می کوشند.^{۱۲۷}

در پایان، مسلماً علاوه بر فرصت هایی که آموخته ها و تجارب جوامع سالم جهان در اختیار ما ایرانیان - مردم و مسئولین - قرار داده است، دستاوردهای درخشان این جوامع در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، کشور انقلابی ما را به تلاشی حماسی فرا می خواند. ظهور این جوامع در عمل نشان داده است که گروه هایی نسبتاً کوچک اما متعهد از نواندیشان جهان در کشورهای فقیر و غنی، توسعه یافته و در حال توسعه، اسلامی و غیر اسلامی، توانسته اند با پشتکار، هوشیاری و شکیبایی، سیاستگذاران کشورهای خود را با خود همراه کنند و از وابستگی و آسیب پذیری جوامع خود در برابر نظام سلطه بکاهند. لذا با توجه به تعهد و اجتماعی که در میان مسئولین کشور ما نسبت به لزوم تحقق اقتصاد مقاومتی وجود دارد و با عنایت به خلاقیت و هوشیاری عمومی و پایبندی به ارزش های دینی، اخلاقی، و ضد استکباری در میان مردم، از ایران انتظار می رود که در مدتی کوتاه تر به نتایجی برتر و در سطحی وسیع تر دست یابد. ان شاء الله.

کتابشناسی

- ایسنا. ۱۳۹۲. از سوی مقام معظم رهبری سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد. (دسترسی ۲۰ شهریور ۱۳۹۴ - سیاست - های - کلی - اقتصاد - مقاومتی - ابلاغ - شد/ <http://isna.ir/fa/news/92113020882>)
- پریگ، لیدیا و تونی گرینهام. ۲۰۱۲. مردمی سازی بانکداری: بررسی عملکرد «اتحادیه های اعتباری» در جهان. ترجمه اسفندیار عباسی. (دسترسی ۲۰ شهریور ۱۳۹۴)
- www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_moneybanking_creditU_nef.pdf
- جکسون، راس. ۲۰۱۰. لزوم تغییرات بنیادین در اقتصاد جهانی: فرصتی برای اقتصادهای کوچک اما پیشرو. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_shiftingJackson.pdf
- چینگ، لیم لی. ۱۳۹۲. آیا کشاورزی بوم شناختی قادر است پاسخگوی نیازهای امروز کشاورزی جهان باشد؟ ترجمه حمیرا شریفی و اسفندیار عباسی. ماهنامه سنبله، فروردین، شماره ۲۲۶: ۷۳-۷۲. همچنین در سایت اطلاع رسانی «در

¹²⁷ Keepin, 2012.

- www.eabbassi.ir/pdf/article_ecoagriculture_frsl.pdf (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) خدمت اصلاح الگوی مصرف»
- داسون، جاناتان. ۲۰۱۰. حکایت دو دهکده سالم: الگویی برای احیای اقتصادی جوامع محلی. ترجمه اسفندیار عباسی. (دسترسی ۲۱ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_taleecovildawson.pdf
- دلیلی، هرمان. ۲۰۱۱. رشد، وام و بانک جهانی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_growthdebtwbDaly.pdf
- _____ . ۲۰۱۰. «رشد پایدار»: نظریه ای ناممکن. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_misldcongrowthDaly.pdf
- رابرتسون، جیمز. ۱۹۸۵. کار در آینده: مشاغل، خوداشتغالی و اوقات فراغت. ترجمه اسفندیار عباسی. (دسترسی ۲ مهر ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_ftreworkRobertson.pdf
- روباتام، مایکل. ۱۹۹۸. سیستم مالی مبتنی بر بدهی: نسخه ای برای رشد اقتصادی، با اسارت و ویرانی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_dt-basedfinsysRobotham.pdf
- سازمان ملی استاندارد ایران، ۱۳۸۵. نمک خوراکی - ویژگی ها. (دسترسی ۲۹ شهریور ۱۳۹۴) www.isiri.org/portal/files/std/26.pdf
- شوماخر، ارنست فردریک. ۱۳۶۵. کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی. ترجمه علی رامین. تهران: سروش.
- شیخ، انور. ۲۰۰۵. تجارت آزاد، افسانه ای در اقتصاد نئولیبرالی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_ftcompadvantageSheikh.pdf
- عباسی، اسفندیار. ۱۳۹۵ الف. در دانشگاه نمی آموزیم، علم سیستم ها: سازو کار سلطه، لازمه مقاومت. (دسترسی ۶ مهر ۱۳۹۵) www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_syssciencevonFoerster.pdf
- _____ . ۱۳۹۵ ب. کسی بیکار نیست: کارآفرینی اجتماعی با طراحی سیستمی (دسترسی ۶ مهر ۱۳۹۵) www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_syssocentrepAbbassi.pdf
- _____ . ۱۳۹۴ الف. از وابستگی به پیوستگی: جهانیابی توحیدی، نوآوری در علم و فناوری مناسب، اقتصاد مقاومتی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_sciwisapptech.pdf
- _____ . ۱۳۹۴ ب. تورهای مقاومتی. (دسترسی ۲۲ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2_tours.htm
- _____ . ۱۳۹۳ الف. پیشرفت: تعریفی جدید، شاخصی نو، مورد کشور بوتان. (دسترسی ۱۸ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_gdpalternatives.pdf
- _____ . ۱۳۹۳ ب. مدیریت گردش پول، کلید اشتغالزایی و تولید ثروت در روستا. (دسترسی ۱۸ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_leakybucket.pdf
- _____ . ۱۳۹۳ ج. توسعه همه جانبه محلی، خط مقدم پایداری و پیشرفت. (دسترسی ۱۸ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_holisticdevAbbassi.pdf
- _____ . ۱۳۹۲ الف. حفاظت از بذره‌های بومی با مشارکت کشاورزان، مطالعات موردی: توسکانی، ایتالیا. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/localdevelopmentplnplcy_sdcnvtusitly.htm
- _____ . ۱۳۹۲ ب. کشاورزی سالم در اتریش. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/localdevelopmentplnplcy_orgacasestudy.htm
- _____ . ۱۳۹۲ ج. مطالعه موردی: کشاورزی شهری در کوبا. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/localdevelopmentplnplcy_urbag_cuba.htm

- _____ . ۱۳۹۲. از تحریم به تکریم، با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: تحلیلی فرهنگی از استکبار. (دسترسی ۱۸ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_tomsawyerandsanctions.pdf
- _____ . ۱۳۹۲. روستای سالم قرن ۲۱: از آسیب پذیری به خودکفایی و خوداتکایی - راهنمای توسعه محلی در اقتصاد مقاومتی. (دسترسی ۱۸ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/guide_rural.pdf
- _____ . ۱۳۹۱الف. نهاد فراملیتی کشاورزی: باورهای نادرست، تکنولوژی نامناسب و رفتارهای نامعقول در کشاورزی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_trans_ag-inst_pt.3.pdf
- _____ . ۱۳۹۱ب. نهاد فراملیتی کشاورزی. ماهنامه سنبله، خرداد، شماره ۲۰: ۲۳-۲۲. همچنین در سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف». (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/localdevelopmentplnply_transnataginst.htm
- _____ . ۱۳۹۱ج. فناوری های مناسب برای حمل و نقل. (دسترسی ۲۲ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_trans.htm
- _____ . ۱۳۹۰الف. فلوراید، فریب آمریکایی: پیروی محض در علم و آسیب پذیری جوامع در توسعه. ماهنامه سنبله، ۲۰۹، اردیبهشت. www.eabbassi.ir/pdf/articlefluoride.pdf
- _____ . ۱۳۹۰ب. پژوهش دانش بومی: شمشیری دو لبه در عصر تجارت جهانی، مورد گیاه شناسی بومی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۳، تابستان. (دسترسی ۲۳ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/articlebiopiracy.pdf
- _____ . ۱۳۸۹الف. فناوری های مناسب برای تامین و بهینه سازی مصرف انرژی. (دسترسی ۲۲ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_energy.htm
- _____ . ۱۳۸۹ب. فناوری های مناسب برای ساخت و ساز. (دسترسی ۲۲ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart2apptech_const.htm
- _____ . ۱۳۸۸. آلودگی اطلاعاتی: آلودگی هوا در کلان شهرها. (دسترسی ۲۲ شهریور ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/articlesandlinkspart1trans.htm
- عبدالله، سامح. ۲۰۱۳. فراتر از «تولید ناخالص داخلی»: ارزش نهادن به آنچه واقعا ارزش دارد و سنجش سرمایه طبیعی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_gdpwhatisitnef.pdf
- فلچر، ایان. ۲۰۱۰. نادرستی مزیت نسبی در توجیه تجارت آزاد و بی اعتباری مفروضات آن. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_compadvantageFletcher.pdf
- کورتن، دیوید. ۲۰۱۳. گذار از رشته اقتصاد به علم اقتصاد: ضرورتی برای ادامه حیات. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_financialeconomicsKorten.pdf
- مکوانا، راجش. ۲۰۰۵. نهادهای مدیریتی اقتصاد جهانی و فرسایش استقلال دولت ها در سیاستگذاری های داخلی. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_dcmssnngmakwan.pdf
- میک لی، مایکل و دیگران. ۲۰۱۴. پول در اقتصاد امروز. (دسترسی ۸ مرداد ۱۳۹۴) www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_moneymdeconMcleay.pdf
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهش و فناوری. (بی تا) منشور و موازین اخلاق پژوهش. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهش و فناوری، مرکز برنامه ریزی و سیاستگذاری پژوهشی.

- Altman, Ellen and Peter Hernon. 1997. *Research Misconduct: Issues, Implications, and Strategies*. London: Ablex.

- Altrichter, Mariana and Xavier Basurto. 2008. Effects of land privatisation on the use of common-pool resources of varying mobility in the Argentine Chaco. *Conservation and Society* 6(2): 154-165.

- Appell, G. N. 1993. *Hardin's Myth of the Commons: The Tragedy of Conceptual Confusions*. Working Paper 8. Phillips, ME: Social Transformation and Adaptation Research Institute. (accessed 30 April 2014) <http://dlc.dlib.indiana.edu/dlc/bitstream/handle/10535/4532/HARDIN.pdf?sequence=1>
- Arnove, Robert F. ed. 1982. *Philanthropy and Cultural Imperialism: The Foundations at Home and Abroad*. Bloomington: Indiana University Press.
- Atlee, Tom. n.d. A compact vision of co-intelligence. (accessed 25 July 2015) <http://co-intelligence.org/I-compactCIvision.html>
- _____. n.d. Perspectives on democracy. The Co-intelligence Institute (accessed 17 March 2014) http://www.co-intelligence.org/CIPol_demoperspectvs.html
- _____. 2012. *Empowering Public Wisdom - A Practical Vision of Citizen-Led Politics*. Berkeley, Calif. : Evolver Editions. (accessed 25 July 2015) http://evolutionaryactivism.com/files/the_book-3368.pdf
- _____. 2009. *Reflections on Evolutionary Activism: Essays, Poems and Prayers from an Emerging Field of Sacred Social Change*. Eugene, OR : Evolutionary Action Press.
- _____. 2003. *The Tao of Democracy*. Cranston, RI: Writers' Collective, 2003. (accessed 17 March 2014) <http://www.taofdemocracy.com>
- Bagdikian, Ben H. 2004. *The New Media Monopoly*. Boston: Beacon Press.
- Barnett, Antony. 2001. In Africa the Hoodia cactus keeps men alive. Now its secret is stolen to make us thin. *The Observer*. June 19. (accessed 3 April 2014) <http://www.theguardian.com/world/2001/jun/17/internationaleducationnews.businessofresearch>
- Bennet, Daniel and Helena Paul. 1999. What are Corporations? Where did they come from? How did they become so powerful? (accessed 17 March 2014) <http://www.corporatewatch.org/?lid=2704>
- Berkes, F., ed. 1989. *Common Property Resources: Ecology and Community-based Sustainable Development*. London: Belhaven Press.
- Berkes, F et al. 1989. Benefits of the commons. *Nature*, 340 (July13):91-93.
- Boseley, Sarah. 2001. Drug firms accused of distorting research. *The Guardian*, September 10. (accessed 3 April 2014) http://www.guardian.co.uk/uk_news/story/0,3604,549283,00.html
- Britannica. Democracy. (accessed 1 May 2014) <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/157129/democracy>
- Brown, E. Richard. 1979. *Rockefeller Medicine Men: Medicine and Capitalism in America*. Berkeley: University of California Press. (accessed 18 September 2015) http://www4.dr-rath-foundation.org/Books/paging.php?sdir=Rockefeller%20Medicine%20Men&latin=&dir=Rockefeller%20Medicine%20Men&start=0&page_nums=1%29#-eng
- Cohen, Jeff. 2006. *Cable news confidential : my misadventures in corporate media*. Sausalito, CA: PoliPointPress.
- Costanza, Robert, et al. 2009. *Beyond GDP: The need for new measures of progress*. The Pardee papers, no. 4. Boston: Boston University.
- Du Boff, Richard and Edward S. Herman. 2001. Mergers, concentration, and the erosion of democracy. *Monthly Review* 53(1) (accessed 2 May 2014) <http://monthlyreview.org/2001/05/01/mergers-concentration-and-the-erosion-of-democracy>
- Gilman, Robert. 1991. The ecovillage challenge. *InContext*, (29):10.
- Goldacre, Ben. 2013. *Bad Pharma*. New York: Faber and Faber.
- Goldstein, N. J. and R. B. Cialdini. 2007. Using social norms as a lever of social influence. in *The Science of Social Influence: Advances and Future Progress*. ed. A. R. Pratkanis. New York, Psychology Press.
- Guilhot, Nicolas. 2011. *The Invention of International Relations: Realism, The Rockefeller Foundation, and the 1954 Conference on Theory*. New York: Columbia University Press.
- Hardin, Garrett. 1968. The tragedy of the commons. *Science*, 162 (3859): 1243-1248.
- Herman, Edward W. and Noam Chomsky. 2000. *Manufacturing consent: The political economy of the mass media*. New York: Pantheon Books.
- Ho, Cecilia. 2001. TRIPS, patents and access to medicines: Proposals for clarification and reform. A Third World Network briefing paper. (accessed 4 April 2014) <http://www.twinside.org.sg/title/drugs2.htm>

- Investment Watch. 2012. "Kissinger: "Control oil and you control nations; control food and you control the people." US strategy deliberately destroyed family farming in the US and abroad and led to 95% of all grain reserves in the world being under the control of six multinational agribusiness corporations. (accessed 26 August 2015) <http://investmentwatchblog.com/kissinger-control-oil-and-you-control-nations-control-food-and-you-control-the-people-us-strategy-deliberately-destroyed-family-farming-in-the-us-and-abroad-and-led-to-95-of-all-grain-reserves/>
- Johnston, David Cay. 2007. *Free Lunch*. New York: Penguin.
- Kaiser, Robert G. 2009. *So Damn Much Money*. New York: Knopf.
- Keepin, William. 2012. InterSpirituality: Bridging the Religious and Spiritual Traditions of the World. in *The Song of the Earth: A Synthesis of Scientific and Spiritual Worldviews*, Maddy Harland and William Keepin, eds. Hampshire: Gaia Education & Permanent Publications.
- Korten, David. 2001. *When Corporations Rule the World*, 2nd ed. Bloomfield: Kumarian Press.
- _____. 2000. The corporation in 2050 In Marianne Williamson (ed.) *Imagine what America could be in the 21st century*. Emmaus, Pa: Rodale Books, 2000, 111-121.
- Lakoff, S. 1996. *Democracy: History, theory, practice..* Boulder, Colo. :Wes view Press. Quoted in Tenets of democracy (accessed 1 May 2014) <http://www.intime.uni.edu/model/democracy/demo.html>
- Mander, Jerry. 2012. Privatization of consciousness. *Monthly Review*, 64(5). (accessed 2 May 2014) <https://monthlyreview.org/2012/10/01/privatization-of-consciousness>
- Marcuss, R. D. and R. E. Kane. 2007. US National Income and Product Statistics: Born of the Great Depression and World War II. *Bureau of Economic Analysis: Survey of Current Business* 87(2): 32–46.
- McCay, Bonnie J. and James M. Acheson, eds. 1987. *The Question of the Commons: The Culture and Ecology of Communal Resources*. Tucson: University of Arizona Press.
- McCay, B. J. and Jentoft, S. 1998. Market or community failure? Critical perspectives on common property research. *The Society for Applied Anthropology, Human Organization*, 57(1):21-29
- McChesney, Robert W. 2000. *Rich media, poor democracy: Communication politics in dubious time*. New York: The New Press.
- McGarity, Thomas O. and Wendy Wagner. 2008. *Bending Science: How Special Interests Corrupt Public Health Research*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- McGarity, Thomas O. et al. 2004. *Sophisticated Sabotage: The Intellectual Games Used to Subvert Responsible Regulation*. Washington, D.C.: Environmental Law Institute.
- Meienberg, Francois. 2001. Time to phase out paraquat – Syngenta’s controversial pesticide. News of a Bern Convention report. (accessed 4 April 2014) http://www.evb.ch/index.cfm?page_id=1296&yy=2002
- Meyerhoff, Al. 1980. Agribusiness on campus. *The Nation*, February 16:170-3.
- Meyers, William. 2001. *The Santa Clara Blues: Corporate Personhood versus Democracy*. Gualala, CA: III Publishing. (accessed 17 March 2014) http://reclaimdemocracy.org/wordpress/wp-content/uploads/2012/07/santa_clara_blues.pdf
- Michaels, David. 2008) *Doubt is Their Product: How Industry’s Assault on Science Threatens Your Health*. Oxford, New York: Oxford University Press.
- Miller, David J. and Michel Hersen. 1992. *Research Fraud in the Behavioral and Biomedical Sciences*. New York: Wiley.
- Morgenthau, Henry. 1944. Bretton Woods Decisions: Closing address by Secretary of Treasury Henry Morgenthau. (accessed 28 April 2014) http://astro.temple.edu/~rimmerma/bretton_woods_decisions.htm
- Morris, Charles R. 2005. *The Tycoons: How Andrew Carnegie, John D. Rockefeller, Jay Gould, and J. P. Morgan Invented the American Supereconomy*. New York: H. Holt and Co.
- Muttitt, Greg. 2002. *Degrees of Capture*. Oxford: Corporate Watch.
- National Resource Council. 1986. *Proceedings of the Conference on Common Property Resource Management April 21- 26, 1985*, prepared by the National Resource Council Panel on Common Property Resource Management, Board on Science and Technology for International Development, Office of Internal Affairs. Washington: National Academy Press.
- Newman, Bryan. 2007. A Bitter Harvest: Farmer suicide and the unforeseen social, environmental and economic impacts of the Green Revolution in Punjab, India. Oakland: Institute for Food and Development Policy, 9.

- Nordin, Kristof. 2010. The Politics of Stigma: Starving In a Land of Plenty. *Human Rights*, 37:1.
- Noble, David F. and Nancy E. Pfund. (1980) The plastic tower: business goes back to college. *The Nation*, September 20: 233.
- Ostrom, Elinor. 1990. *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. New York: Cambridge University Press.
- PANNA (Pesticides Action Network, North America) Production and dumping. (accessed 4 April 2014) <http://www.panna.org/issues/frontline-communities/production-dumping>
- Rough, Jim. 2002. *Society's Breakthrough: Releasing Essential Wisdom and Virtue in All the People*. Bloomington, Indiana: 1st Books Library.
- Roelofs, Joan. 2003. *Foundations and public policy: The mask of pluralism*. Albany: State University of New York Press.
- Ruttan, Vernon W. 1973. Technology transfer, institutional transfer, and induced technical and institutional change in agricultural development. Staff Paper P73-16, Department of Agricultural and Applied Economics, University of Minnesota, Institute of Agriculture.
- Schultz, P. et al. 2008. Normative beliefs as agents of influence: Basic processes and real-world applications. in *Attitudes and attitude change*, eds. William D. Crano and Radmila Prislin. New York and London: Psychology Press.
- Schumacher, E.F. 2011. *Small is Beautiful: Study of Economics as If People Mattered*. London: Vintage. Also available online, (accessed 25 July 2015) <http://www.ditext.com/schumacher/small/small.html>
- Shiva, Vandana. 1997. *Biopiracy: The Plunder of Nature and Knowledge*. Boston, MA: South End Press.
- Siffin, W. J. 1973. Institution-Building and Science/Technology Transfer to Developing Countries. United States Agency for International Development.
- Silverstein, Ken. 1998. *Washington on \$10 Million A Day*. Monroe, ME: Common Courage Press.
- Snyder, Caroline. 2005. The Dirty Work of Promoting "Recycling" of America's Sewage Sludge. *International Journal of Occupational and Environmental Health*, 11(4): 415-427.
- Social Enterprise UK. 2011. *Social Enterprise Explained: For Beginners, Wonderes and People with Ideas, Big and Small*. London: Social Enterprise UK.
- Spencer, Rebecca. 2004. *Corporate law and structures: Exposing the roots of the problem*. Oxford: Corporate Watch. (accessed 17 March 2014) <http://www.corporatewatch.org.uk/download.php?id=43>
- Spratt, Stephen, et al. 2010. *The Great Transition: The Tale of How It Turned Out Right*. London: New Economics Foundation.
- Stenton, Gavin. 2003. Biopiracy within the pharmaceutical industry: a stark illustration of just how abusive, manipulative and perverse the patenting process can be towards countries of the South. *Hertfordshire Law Journal* 1(2): 30-47.
- Warren, et al., eds. 1995. *The Cultural Dimension of Development*. Part III: Indigenous Organisations. London: Intermediate Technology Publications.
- Washburn, Jennifer. 2010. *Big Oil Goes to College*. Washington, DC: Center for American Progress.
- _____. 2005. *University, Inc.: The Corporate Corruption of American Higher Education*. New York: Basic Books.
- Weir, David and Mark Schapiro. 1981. *Circle of Poison: Pesticides and People in a Hungry World*. San Francisco, CA : Institute for Food and Development Policy.
- Wormser, Rene A. 1958. *Foundations, Their Power and Influence*. New York: Devin-Adair Co.

* اسفندیار عباسی، پژوهشگر و طراح سامانه های توسعه در شهر و روستا، مؤسس سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» است. مخاطبین این پایگاه را مصرف کنندگان، تولیدکنندگان، اصحاب حوزه و دانشگاه، رسانه ها، برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور تشکیل می دهند. آگاهی رسانی به مخاطبین در مورد جعلیات علمی و آلودگی اطلاعاتی در جمیع حوزه های علمی و فناوری و نیز عرضه اطلاعات معتبر علمی، معرفی فناوری های مناسب و ارائه خدمات آموزش و مشاوره، به منظور تسهیل

حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف در ایران، از وظایف اصلی این پایگاه قرار گرفته است. بخشی از این گزارش بر اساس پژوهش میدانی در دهکده سالم شهر لوس آنجلس در ایالت کالیفرنیا، ایالات متحده (۲۰۰۸ - ۲۰۰۴) است.

سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» www.eabbassi.ir/newpages.htm

اسفندیار عباسی همچنین طراح دوره کارشناسی ارشد «اقتصاد مقاومتی با مدیریت جهادی» است که جهت بهره برداری دانشگاه ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی و دانشجویانی که برای مشارکت در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی در ایران مصمم اند تدوین شده است. علاوه بر آموختن علوم طبیعی و انسانی، حکمت اسلامی، مهارت های اجتماعی و طراحی سیستم ها، دانشجویان با فناوری های مناسبی چون ساخت و ساز با ابرخشت، کشاورزی بوم شناختی، ساخت پانل های خورشیدی و توربین های بادی برای تولید انرژی در محل و فناوری مناسب برای مدیریت برتر منابع آب و پساب به طور عملی آشنا می شوند. ارائه دوره های آکادمیک مشابه برای توانمندسازی علاقمندان به کارآفرینی اجتماعی و پایه گذاری جوامع سالم بومی، مقاوم، خودکفا و خوداتکا در مناطق شهری و روستایی، از رشته های جدید در دانشگاه های پیشرو جهان است.

www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_epiclivingAbbassi.pdf

www.eabbassi.ir